

**NEUES TESTAMENT**

**Die Gute Nachricht**

**NEW (4)  
NOUVEAU  
TESTAMENT  
IN**

**PERSIAN  
FARSI  
IRANIAN  
IV**

**PERSAN**

**PERSISCHE**

کتاب

پیمان تازه

خداوند وراننده ما

عیسی مسیح

که از لسان اصلی یونانی

بفارسی

ترجمه کرده

افضل الفضلا المسيحيه

هنری مارتین کشیس انگلیسی ایست

---

که در دار السلطنت لندن محروسه

باعانت مجمع مشهور به بیبل سوسیته

کرت سیم بدار الطباعه بنده کمترین رچارد واطس

انگلیسی مطبوع گردید

۱۸۳۷

مسیحیه



THE  
**NEW TESTAMENT**

OF  
OUR LORD AND SAVIOUR

**JESUS CHRIST**

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK,  
INTO PERSIAN,

BY THE  
**REV. HENRY MARTYN, B.D.**

---

FOURTH EDITION.

---

**LONDON:**  
PRINTED BY RICHARD WATTS,  
**FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,**  
IN THE YEAR  
1837.

# فهرست این کتاب مقدس

<p>503 . رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان</p> <p>507 . رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>516 . رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>522 . رسالهٔ پولس بتیتوس . . . . .</p> <p>526 . رسالهٔ پولس بفلیمون . . . . .</p> <p>528 . رسالهٔ پولس بعبریان . . . . .</p> <p>552 . رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . . .</p> <p>561 . رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . . .</p> <p>570 . رسالهٔ عام دویم پطرس حواری . . . . .</p> <p>576 . رسالهٔ عام اول یوحناي حواری . . . . .</p> <p>585 . رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری . . . . .</p> <p>586 . رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری . . . . .</p> <p>587 . رسالهٔ عام یهوداي حواری . . . . .</p> <p>590 . کتاب مکاشفات یوحناي الهی . . . . .</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ . . . . . 1</p> <p>انجیل مرقس . . . . . 83</p> <p>انجیل لوقا . . . . . 135</p> <p>انجیل یوحنا . . . . . 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان . . . . . 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . . . 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس . . . . . 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس . . . . . 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان . . . . . 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . . . 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . . . 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . . . 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . . . 496</p>
---	---

## احیاء یوحنا

### باب اول

- ۲ بود در ابتدا کلمه و آن کلمه نرو خدا بود و آن کلمه خدا بود \* و همان
- ۳ در ابتدا نرو خدا بود \* و هر چیز بوساطت او موجود شد و بغير از او
- ۴ هیچ چیز از چیزهای که موجود شده است وجود نیافت \* در او
- ۵ حیات بود و آن حیات روشنائی انسان بود \* و آن روشنائی
- ۶ در تاریکی می درخشید و تاریکی در نمی یافتش \* شخصی بود که
- ۷ از جانب خدا فرستاده شده که اسمش یحیی بود \* و او برای
- شهادت آمد تا آنکه شهادت بر آن نور دهد تا آنکه همه بوساطت
- ۸ او ایمان آورند \* و او خود روشنائی نبود بلکه آمده بود که بر آن
- ۹ روشنائی شهادت بدهد \* و روشنائی حقیقی آن است که
- ۱۰ هر کس را که بجهان در می آید منور میکرواند \* و این در جهان
- بود و جهان بوساطت او پدید گشت و جهانش نمی شناخت
- ۱۲ \* و بسوی خاصان خویش آمد و ایشان پذیرفتندش \* و چند که
- پذیرفتندش ایشان را قدرت داد که فرزندان خدا بشوند و ایشان
- ۱۳ بوزند که با اسمش ایمان آورند \* و تولد ایشان از اخلاط و از
- خواهش جسمانی و خواهش نفسانی نبود بلکه مجبور از خدا بود
- ۱۴ \* و آن کلمه مجسم شده در میان ما قرار گرفت و تجلی او را ما
- دیدیم و آن تجلی بود که شایسته یگانه پدر بود و پدر از مهربانی

- ۱۵ راستی بود \* و یحیی در حق او کواهی داد و آواز بلند گفت که این همان کس است که ذکرش را کردم که پس از من می آید و پیش از من است زیرا که پیش از من بود \* و از تمامیت
- ۱۷ او نعمتهای پی در پی بمجموع ما رسید \* زیرا که هر چند بوساطت موسی آئین قرار داد شده بود ولیکن نعمت و راستی بوساطت
- ۱۸ عیساوی مسیح رسید \* و خدا را هیچ کس گاهی ندید اما فرزند یگانه که
- ۱۹ در آغوش پدر بود او را نمودار کرد \* و کواهی یحیی این است که چون به دو کاهنان و لوئیائرا از اورشلیم فرستادند تا از او پرسند که
- ۲۰ تو کیستی \* اقرار کرد و انکار نکرد بلکه فاش کرد که من مسیح نیستم
- ۲۱ \* پس پرسیدند از او که چگونه است آیا تو الیاس هستی گفت
- ۲۲ نیستم گفتند آیا تو آن پیغمبر هستی بی پاسخ گفت نه \* پس گفتند با او که تو کیستی که با نماند ما را فرستادند جواب بدهیم و تو در
- ۲۳ حق خود چه میگوئی \* گفت من آواز آنکس هستیم که در بیابان فریاد میکند که راه خداوند را درست کنید چنانچه اشعیه پیغمبر
- ۲۷ گفته است \* و آنکسانیکه فرستاده شده بودند از فریسیان بودند
- ۲۵ \* پرسیدند از او و گفتند که هرگاه تو مسیح نیستی و الیاس و آن
- ۲۴ پیغمبر نیستی پس چرا غسل میدهی \* یحیی بایشان در جواب گفت که من آب غسل میدهم اما شخصی در میان شما
- ۲۷ ایستاده است که شما اورا نمی شناسید \* همان است که پس از من می آید و پیش از من است و من شایسته آن نیستم که
- ۲۸ که دوال نعلینش را باز کنم \* این گذارش در بیت عبره در
- ۲۹ آنطرف رود اردن در جائی که یحیی غسل میداد واقع شد \* روز



- ۳۰ ویکر یحیی وید عیسی را که بطرف خود می آمد گفت اینک بره  
 خدا که کنه خلق جهانرا رفع میکند \* این است آنکه در حق  
 او گفتم که شخصی پس از من می آید وپیش از من است زیرا  
 ۳۱ که پیش از من بووه است \* و من خود او را نشناختم لیکن  
 بجهت آنکه او بر اسرائیل ظاهر گردد آمده ام و آب غسل  
 ۳۲ میدهم \* و یحیی شهادت داد که من روح را دیدم که از آسمان  
 ۳۳ پائین می آمد مانند کبوتر و بر او می نشست \* و من او را شناخته  
 بووم لیکن آنکس که مرا فرستاده است که آب غسل و هم مرا  
 گفت که هر کس را که به بینی که روح بر او نازل میشود و بر او می  
 ۳۴ نشیند همان کس است که بروح القدس غسل میدهد \* و من  
 ۳۵ همانرا دیدم و شهادت دادم که اینست پسر خدا \* روز ویکر باز  
 ۳۶ یحیی و دو نفر از شاگردانش ایستادند \* و عیسی را که میخواست  
 ۳۷ نگاه کرده گفت اینک بره خدا \* و آن دو شاگرد سخن او را می  
 ۳۸ شنیدند و در ونبال عیسی افتادند \* عیسی بر گردیده ایشانرا دید  
 که بعقبش می آیند آنها را گفت که چه اراده دارید شما آنها  
 گفتند ربی که ترجمه اش آنست که امی استاد کجا میباشی  
 ۳۹ \* ایشان گفت بیایید و به بینید و ایشان آمدند و دیدند که در کجا  
 میباشد و آنروز نزد او درنگ کردند و آنساعت تخمینا ساعت و هم  
 ۴۰ از روز بود \* و یکی از آندو نفر که سخن یحیی را شنیده بعقب او  
 ۴۱ افتادند اندریاس برادر شمعون پطرس بود \* و نخست برادر خود  
 شمعون را دیده او را گفت که ما مسیح را که ترجمه آن کرسطوس  
 ۴۲ میباشد یافتیم \* پس او را بنزد عیسی برده عیسی در او نگرینست

وگفت تو شمعون پسر یونا هستی و تورا بکیفاس که ترجمه آن  
 ۴۳ سنک است ندا خواهند کرد \* روز دیگر عیسی خواهش نمود که  
 بقصد جلیل بیرون رود فیلیپوس را یافت و او را گفت که از عقب  
 ۴۴ من آمده باش \* و فیلیپوس از بیت صیدا که شهر اندریاس  
 ۴۵ و پطرس است بود \* فیلیپوس ناثانائیل را یافته باو گفت کسی را  
 که موسی از وی در توریت و پیغمبران نوشته اند ما یافته ایم و او  
 ۴۶ عیسی پسر یوسف است که از ناصره است \* و ناثانائیل باو  
 گفت که آیا ممکن است که بیرون آید چیز خوبی از ناصره  
 ۴۷ فیلیپوس او را گفت بیا و بین \* عیسی ناثانائیل را دید که بنزد  
 خود می آید در حق او گفت اینست کسی که در حقیقت  
 ۴۸ اسرائیلی است و در او غشی نیست \* ناثانائیل باو گفت که تو  
 مرا از کجا می شناسی عیسی در جواب گفت که پیش از آنکه  
 فیلیپوس تورا بخواند در وقتی که در زیر درخت انجیر بودی من  
 ۴۹ تورا دیدم \* ناثانائیل ویرا در جواب گفت ربی توئی پسر خدا و توئی  
 ۵۰ پادشاه اسرائیل \* عیسی باو جواب داده گفت که تو بعلت آنکه  
 من گفتم که تورا در زیر درخت انجیر دیدم ایمان می آری و حال  
 ۵۱ آنکه کارهای عظیم تر خواهی دید \* پس باو گفت که هر آینه من بشما  
 راست میگویم که بعد ازین شما آسمان را کشاوه و فرشتگان  
 خدا را که بر فرزند انسان صعود و نزول میکنند خواهید دید

باب دوم

۱ در روز سیم در قانای جلیل سوری واقع شد و مادر عیسی در آنجا  
 ۲ بود \* و هم عیسی و شاکر وانش را در آن عیش خوانده بودند

- ۳ \* چونکه شراب کم شد ماور عیسی ویرا گفت که شراب ندارند
- ۴ \* و عیسی باو گفت که ای زن مرا با تو چه کار است هنوز وقت
- ۵ من نرسیده است \* و ماورش بخاومان گفت که هرچه بشما
- ۶ بفرماید عمل نمائید \* و در آخانه شش کوزه سنکی بود که برای
- طهارت یهودیان کنزروه بودند هر یک از آن کوزه دوسه من
- ۷ میکیفت \* و عیسی آنها را گفت که کوزه ها را از آب پر کنید پس
- ۸ آن کوزه ها را از آب مملو کردند \* بایشان گفت که حالا قدری
- ۹ ازین بردارید بنزرو میر مجلس برید پس بفرزند \* و چون میر مجلس
- آن آب را که شراب شده بود چشید خود ندانست که آن
- شراب از کجا آمد مگر خاومان که آب را بر داشته بودند دانستند
- ۱۰ پس آن میر مجلس و ماورا مخاطب ساخته \* و باو گفت که همه
- مردم شراب خوب را اول حاضر میسازند و بعد از آنکه بسیار
- خورده باشند شراب بد را لیکن تو شراب خوب را تا حال نگاه
- ۱۱ داشتی \* این معجزه را که نخستین معجزه اش بود عیسی در قانای
- جلیل نمود و جلال خورا جلوه داد و شاکروانش بر او ایمان آوردند
- ۱۲ \* و بعد از آن خور و ماورش و برادرانش و شاکروانش بکفرناحوم
- ۱۳ آمدند و در آنجا مدت قلیل درنگ کردند \* و از آنجا که عید فصیح
- ۱۴ نزدیک بود عیسی باورشلیم رفت \* و کسانی که کاو و کوسفند
- ۱۵ و کبوتر میفروختند و صرافان را در هیكل نشسته یافت \* پس
- تازیانه از زه ساخته و همه مردم را با کوسفندان و کاوا از هیكل
- بیرون روانید و زربانی صرافان را بریخت و تختها را زیر وزیر
- ۱۶ کرد \* و کبوتر فروشان را گفت که این چیزها را بیرون برید و خانه

- ۱۷ پدرم را تجارخانه مسازید \* شاکروانش را بیاد آمد که چنین نوشته بود  
 ۱۸ که غیرت خانه تو مرا فرا گرفته است \* آنگاه بهرویان آغاز نموده  
 باو گفتند تو که این امور را مرتکب میشوی چه علامت با نشان  
 ۱۹ میدهی \* عیسی در جواب ایشان را گفت که این هیکل را  
 خراب کنید که من آنرا بعد از سه روز بلند خواهم ساخت  
 ۲۰ \* بهرویان گفتند که این هیکل در چهل و شش سال ساخته  
 ۲۱ شده است و تو آنرا در سه روز میسازی \* اما او در باره هیکل  
 ۲۲ بدن خود گفتگو می نمود \* پس چون از میان مرده کان بر  
 خواست شاکروانش را بیاد آمد که او آنها را همین گفته بود پس  
 ۲۳ کتاب را و سخنی که عیسی فرموده بود باور کردند \* و در اوانی که در  
 اورشلیم بود وعید فصیح بود بسیاری از مردم چون معجزه نائی که  
 ۲۴ می نمود دیده بر نامش ایمان آوردند \* اما عیسی از آنها مطمئن  
 ۲۵ نشد زیرا که تمامی مردم را می شناخت \* و احتیاج بآنکه کسی  
 معرفی مردم را نماید نداشت زیرا که خود میدانست که در  
 مردمان چیست

### باب سیم

- ۱ و شخصی از فریسیان بود که نيقوریمیس نام داشت و او یکی از  
 ۲ بزرگان یهود بود \* آن شخص در شب نزد عیسی آمد و گفت  
 ربی ما میدانیم که تو از جانب خدا از برای تعلیم آمده زیرا که هیچ  
 کس این معجزات را که تو می نائی نمی تواند نمود جز اینکه خدا  
 ۳ با وی باشد \* عیسی او را جواب داده گفت که هر آینه بتو راست  
 میگویم که تا کسی تولد تازه نیابد ملکوت خدا را نمی تواند دید



- ۴ \* نيقوور بيمس باو كفت كه شخصى كه پير باشد چگونه متولد ميشود  
 آيا مى تواند شد كه بار ديگر در شكم مادر خویش در آمده متولد بشود
- ۵ \* عيسى جواب داد كه بتحقيق كه من بتور است ميكويم كه تاكس  
 از آب و روح متولد نشود در ملكوت خداىى تواند آمد \* و آنچه از
- ۶ جسم متولد شده جسم است و آنچه از روح متولد شده روح است  
 \* حيران مباحث كه تورا كفتم كه بايد شما تولدى تازه بياييد \* و باو
- ۸ هر جا كه مى خواهد ميوزو نو آوازش را ميشنوي ليكن نميدانى كه از  
 كجا مياييد و بكجا ميروو همچنين است هر كسى كه از روح متولد
- ۹ شده است \* نيقوور بيمس اورا جواب داد و كفت كه اين چيزها  
 چگونه ميتواند شد \* عيسى در جواب كفت آيا تو اسرائيل را
- ۱۰ معلم هستى و اين چيزها را نمى يابى \* هر آينه من بتور است ميكويم  
 كه ما باچه ميدانيم حرف ميزنيم و باچه و يده ايم شهادت ميدهيم
- ۱۱ و شما شهادت ما را نمى پذيريد \* چون من شما را آن چيزهاىى كه  
 زمينى است كفتم و شما باور نميكنيد چگونه اگر بشما چيزهاىى كه
- ۱۳ آسمانى است بكويم باور خواهيد كرد \* و همچ كس باسماں بالا  
 نرفته است مگر آنكس كه از آسماں پائين آمده است يعنى
- ۱۴ فرزند آدم كه در آسماں هست \* و چنانكه موسى ما را در وشت  
 بلند كرد فرزند انسان نيز بايد كه برواشته شود \* تا هر كس كه براو
- ۱۶ ايمان آورد هلاك نشود بلكه زنده كسى جاويد يابد \* زيرا كه خدا آنقدر  
 جهان را دوست داشت كه فرزند يكاته خورا ارزانى فرمود  
 كه تا هر كس كه براو ايمان آورد هلاك نشود بلكه زنده گانى
- ۱۷ جاويد يابد \* خدا فرزند خورا بجهان نفرستاد كه باجهانيان داورى

- ۱۸ نماید بلکه تا جهانیان بواسطه او نجات یابند \* و آنکس که بر او  
ایمان آورد بر وی حکم نمی شود و آنکس که ایمان نیاورد بر او حکم  
۱۹ شد زیرا که بر اسم فرزند یگانه خدا ایمان نیاورده است \* و حکم  
این است که روشنی در جهان در آمده است و مردمان تاریکی را  
بیش از روشنائی دوست دارند زیرا که افعال ایشان بد بوده  
۲۰ است \* زیرا که هر کس که بکارهای نا شایسته مشغول است  
روشنائی را دشمن دارد و نزد روشنائی نمی آید مبادا که افعالش  
۲۱ آشکارا گردد \* و اما آنکس که راست گردد است بنزد روشنائی  
۲۲ می آید تا ظاهر گردد که افعالش را با خدا کرده است \* و بعد ازین  
مقدمه عیسی و شاگردانش در مرزوم پیرویه آمدند و با آنها در آنجا  
۲۳ اوقات صرف میکرد و غسل تعمید میداد \* و یحیی نیز در عینون  
نزد سالیم غسل میداد زیرا که در آنجا آب بسیار بود و خلق در آنجا  
۲۴ حاضر شده غسل می یافتند \* زیرا که یحیی هنوز در زندان نیفتاده  
۲۵ بود \* و در میان شاگردان یحیی و پیرویان بخصوص تطهیر تراعی  
۲۶ شده \* و بنزد یحیی آمده باو گفتند رهی آنکس که با تو در آن  
طرف رود اردن بود که تو از برای او شهادت دادی اینک  
۲۷ غسل میدهد و همگی بنزد او می آیند \* یحیی در جواب گفت که  
انسان خود هیچ چیز را نمی تواند یافت مگر آنکه از آسمان باو داده  
۲۸ شود \* و شما خود شاهدان برای من هستید که گفتم من مسیح  
۲۹ نیستم بلکه فرستاده شده ام که پیشرو او باشم \* و اما کسی است  
که عروس را دارد و دوست و اما کسی است که می ایستد  
و آوازش را می شنود و بشنیدن صدای و اما بسیار خوشوقت

۳۰ است پس این خوشوقتی من با تمام رسیده است \* و او را  
 ۳۱ باید ترقی نماید و مرا باید که تحلیل روم \* آنکس که از بالامی آید از  
 همه کس بلندتر است و آنکس که از زمین است زمینی است  
 و از زمین حرف میزند و آنکس که از آسمان می آید از همه بالاتر  
 ۳۲ است \* و او هر آنچه دید و شنید خبر میدهد و هیچ کس حرفش را  
 ۳۳ قبول نمی کند \* و آنکس که حرفش را قبول کند مهر کرده است  
 ۳۴ که خدا راست گوشت \* زیرا که آنکس را که خدا فرستاد بکلام خدا  
 ۳۵ حرف میزند که خدا روح را به پیمانۀ بومی نمیدهد \* پدر پسر را دوست  
 ۳۶ دارد و بدستش همه چیز را داده است \* و آنکس که به پسر ایمان  
 آورده است زندگانی جاودان دارد و آنکس که سخن پسر را نمی  
 شنود زندگانی را نخواهد دید بلکه غضب الهی بروی میماند

### باب چهارم

۱ و چون خداوند را حالی شد که فریسیان شنیده اند که عیسی بیش  
 ۲ از یحیی شاکردان پیدا کرده و غسل میدهد \* و حال آنکه عیسی  
 ۳ خود غسل نمیداد بلکه شاکردانش میدادند \* پس یهوویرا  
 ۴ گذاشت باز بسوی جلیل برگرید \* و او را می بایست که بسمریه  
 ۵ عبور کند \* پس بشهری از سمریه که سوخار نام داشت بنزویک  
 ۶ آنمقام که یعقوب پسرش یوسف داده بود آمد \* و چاه یعقوب  
 در آنجا بود چون عیسی از رنج راه مستقت کشیده بود بیدرنگ  
 ۷ نرو آنچاه بنشست و تخمینا ساعت ششم بود \* که زنی از سمریه  
 بجهت برداشتن آب آمد عیسی ویرا فرمود که مرا آب خورون  
 ۸ بده \* زیرا که شاکردانش بشهر برای خریدن خورش رفته بودند

- ۹ \* زن سمیری گفت که تو یهودی هستی پس چگونه از من آب خوردن میطلبی و حال آنکه من زن سمیری هستم و یهودیان با
- ۱۰ سمریان آمیزش ندارند \* عیسی ویرا گفت که اگر تو بخشش خدا را میدانستی و کیست که میکوبد مرا آب خوردن بده هرآینه
- ۱۱ تو او را میخواستی و او بتو آب زندگی میداد \* زن باو گفت یا خداوند تو دلونداری و چاه عمیق دارد پس تو آب زندگی را از کجا
- ۱۲ داری \* آیا تو از پدر ما یعقوب بزرگتری که او چاه را بنا داد و خود
- ۱۳ و فرزندانش و همامیش از آن می آشامیدند \* عیسی باو جواب داده گفت هرکس که ازین آب میخورد باز تشنه خواهد شد
- ۱۴ \* و هرکس که از آبی که من باو خواهم داد میخورد گاهی تشنه نخواهد شد بلکه آن آب که من خواهم داد چشمه آبی در میانش
- ۱۵ خواهد بود که تا بنده گانی جاودانی میبهد \* زن باو گفت یا خداوند این آب را بمن ده تا تشنه نشوم و در اینجا برای آب برواشتن
- ۱۶ نیایم \* عیسی باو گفت برو شوهر خود را بخوان و با اینجا بیا \* زن جواب داد که شوهری ندارم عیسی باو گفت تو خوب گفتی که
- ۱۸ شوهری ندارم \* زیرا که پنج مرد داشته و آنکس که حال داری شوهرت نیست این را راست گفته \* زن باو گفت خداوند
- ۲۰ فهمیدم که تو پیغمبری \* پدران ما در این کوه پرستش مینمودند و شما میکوشید که در اورشلیم مقامیست که در آنجا باید پرستش
- ۲۱ نمایند \* عیسی باو گفت امی زن سخن مرا باور کن که وقتست که نه در این کوه و نه در اورشلیم پدر را خواهید پرستید \* شما آنچه
- نمیدانید من پرستید و ما آنچه میدانیم می پرستیم که نجات از میان



- ۲۳ پرواست \* بتحقیق که نزدیک است بلکه رسید آن وقتی  
 که پرستندگان حقیقی پدر را بروح و راستی خواهند پرستید و پدر  
 ۲۴ آچنان پرستنده گانرا میخواهد \* خدا روحست و آنکسان که او را  
 ۱۵ میپرستند باید که بروح و راستی پرستند \* زن باو گفت میدانم که  
 مسیح یعنی کرسطوس می آید او چون بیاید ما هر چیز خبر  
 ۲۷ خواهد داد \* عیسی باو گفت من که بتو سخن میگویم آنم \* و در  
 هماندم شاگردانش آمدند و حیران شدند که بآئین حرف میرو لیکن  
 ۲۸ هیچ کس نگفت که چه چیز می طلبی یا چرا باو حرف میزنی \* پس  
 ۲۹ آئین کوزه خورا بگذاشت و بشهر رفته مردم را گفت \* که بیایید  
 و شخصی را به بینید که هر آنچه کردم بمن گفته است آیا این  
 ۳۱ مسیح نیست \* از شهر بیرون آمدند و بنروش رسیدند \* و درین  
 ۳۲ میانه شاگردانش ازو در خواسته گفتند که رنی چیزی بخور \* بانها  
 گفت که من خوراکی برای خوردن دارم که شما آنرا نمیدانید  
 ۳۳ \* پس شاگردانش بیکدیگر گفتند آیا کسی چیز خوردنی به پیشش  
 ۳۴ آورده است \* عیسی بانها گفت که خورش من اینست که  
 ۳۵ خواهش آنکسی که مرا فرستاده بجا آورم و کارش را تمام کنم \* آیا  
 که شما نمیکوئید که بعد از چهار ماه و یکروز وقت درو کردنست  
 اینک شما را میگویم که چشمهای خورا باز کنید و در کشتهها نگاه  
 ۳۶ کنید که الحال برای درو سفید شده است \* و درو کننده مزد  
 خورا می یابد و ثمره را بقصد حیات جاودانی جمع میکند تا که تخم  
 ۳۷ ریزند و درو کننده باهم شادمان گردند \* پس درین امر این  
 مثل راست میشود که تخم ریزنده و یکروز درو کننده و یکروز است

- ۳۸ \* من شمارا فرستادم که آنچه شما بر آن مشقت نکشیدید درو کنید که ویکران مشقت کشیدند و شما در مشقت آنها در آمده
- ۳۹ \* و بسیاری سمریان از اهل آن شهر که بعثت سخن آنزن که شهادت میداد که هر چه کردم بمن گفت بر او ایمان آوردند \* چون سمریان بنزد وی آمدند او را در خواستند که نزد ایشان بماند پس در آنجا دو روز ماند \* بعثت سخن او اکثری
- ۴۰ بیشتر از اول ایمان آوردند \* و با آنزن گفتند که حالا ما نه بعثت گفتن تو ایمان می آوریم زیرا که ما خود شنیدیم و دانستیم که فی
- ۴۱ الحقیقت همین است مسیح نجات دهنده جهان \* و بعد از
- ۴۲ دو روز از آنجا بیرون آمد و جلیل رفت \* زیرا که عیسی خود
- ۴۳ شهادت داد که پیغمبر در وطن خود عزت ندارد \* پس چون جلیل آمد جلیلیان او را قبول کردند زیرا که آنها هر چه در اورشلیم
- ۴۴ در عید کرد دیده بودند چه آنها نیز بعید آمده بودند \* پس عیسی بقانامی جلیل جائی که آب را شراب ساخت باز آمد و در آنجا
- ۴۵ امیری بود که پسرش در کفر ناحوم بیمار بود \* آنکس چون شنید که عیسی از یهوویه جلیل آمده است بنزد وی آمد و ازو در خواست نمود که آمده پسرش را شفا بدهد زیرا که نزدیک بود که
- ۴۶ بمیرد \* عیسی باو گفت شما اگر علامات غرایب و عجایب نمی
- ۴۷ بینید ایمان نخواهید آورد \* آن امیر باو گفت که یا خداوند پیش
- ۴۸ از آنکه طفل من بمیرد آمده باش \* عیسی باو گفت برو پسرت زنده است آنکس آن سخن را که عیسی با وی گفت تصدیق
- ۴۹ نمود و رفت \* و او هنوز در راه بود که خاوانش از پیش در آمدند

۵۲ و خبر داده گفتند که پسر زنده است \* و از آنها ساعتی را که در آن بهتر شده بود تحقیق نمود گفتند که دیروز در ساعت هفتم  
 ۵۳ تب شکست \* پدر دریافت که در همان ساعت بوه که عیسی باو گفت که پسر زنده است پس او خود و تمام خاندان او ایمان  
 ۵۴ آوردند \* و این معجزه دوم را عیسی چون از یهوویه به جلیل آمده بود ظاهر ساخت

باب پنجم

۱ بعد ازین مقدمه یکی از عیدهای یهووی بود و عیسی باورشلیم رفت  
 ۲ \* و در اورشلیم در بازار کوسفند حوضی است که عبرانی بیت  
 ۳ حسدا خوانند که پنج رواق دارد \* در آن رواقها جمعی بسیاری از بیماران از کوران و شلان و خشکان گذاشته شده بودند که برای  
 ۴ جنبش آب انتظار میکشیدند \* زیرا که فرشته گاه گاه در آن حوض پائین می آمد آبرای میجنبانید پس نخستین کسی که بعد از  
 جنبش آب در آن می آمد از هر مرضی که داشت شفامی یافت \* در آنجا شخصی بود که سی و هشت سال بود که در  
 ۶ حالت ناتوانی می بود \* عیسی او را خوابیده دید و دریافت نمود که مدتی است که در آنجا میباشد باوی گفت که میخواهی شفا یابی  
 ۷ \* مرد ناتوان جواب داد که ای آقای من کسی را ندارم که چون آب جنبانیده شود مرا در حوض بیندازد و مادامی که من خود آیم  
 ۸ کسی و بیکر پیش از من بآن در می آید \* عیسی باو گفت برخیز  
 ۹ و چهار پایه خور را بردار و بخرام \* که فی الفور آنکس شفا یافت  
 ۱۰ و چهار پایه خور را برداشت و خرامید و آنروز سبت بود \* پس

- ۱۱ یهودیان آنکس را که شفا یافته بود گفتند که سبت است و تو را  
 روا نیست که چهار پایه خور را برداری \* بآنجا جواب داد که آنکه  
 مرا شفا بخشید همان بمن گفت که چهار پایه خور را بردار و خرام  
 ۱۲ \* او را پرسیدند که کیست آن شخص که این را بتو گفته است  
 ۱۳ که چهار پایه خور را بردار و خرام \* آنمرد که شفا یافته بود نمی  
 دانست که کیست زیرا که عیسی پنهانی رفته بود بعلت آنکه  
 ۱۴ جمعی در آنجا بودند \* بعد ازین عیسی او را در هیکل یافت و باو  
 گفت که الحال که شفا یافته بعد ازین گناه مکن مبادا که چیزی  
 ۱۵ بدتر بر تو واقع شود \* آنکس رفت و یهودیان خبر داد که عیسی  
 ۱۶ است آنکس که بمن شفا بخشید \* و از برای این یهودیان  
 عیسی را زحمت دادند و خواستند که او را بکشند زیرا که این کار را  
 ۱۷ در روز سبت کرده بود \* عیسی بایشان گفت که پدرم تا حال  
 ۱۸ کار میکند و من نیز کار میکنم \* و بجهت این یهودیان پیش از  
 اول اراده کردند که او را بکشند زیرا که او نه همین روز سبت را  
 شکست بلکه خدا را پدر خود خوانده خور را با خدا مساوی ساخت  
 ۱۹ \* پس عیسی بآنجا جواب داد که هر آینه من بشما راست  
 میکنم که پسر از خود هیچ نمی تواند کرد مگر آنچه می بیند که پدر میکند  
 ۲۰ و هر آنچه او میکند پسر نیز همانرا می کند \* زیرا که پدر پسر را دوست  
 دارد و بهر آنچه خود میکند او را نشان میدهد و کارهای برتر ازین  
 ۲۱ نشان خواهد داد تا شما حیران بشوید \* زیرا که همچنانکه پدر  
 مردهگان را برمیخیزاند و زنده میکند بهمان طور پسر نیز هر که را  
 ۲۲ میخواستد زنده میکند \* و پدر بر هیچ کس حکم نمی کند بلکه تمامی



- ۲۳ حکم رانی را به پسر واده است \* تا آنکه همه مردم پسر را عترت کنند چنانکه پدر را عترت میکنند آنکس که پسر را عترت نمی کند
- ۲۴ پدری را که او را فرستاده است عترت نمی کند \* هر آینه من بشما راست میگویم که آنکس که سختم را می شنود و بر آنکس که مرا فرستاد ایمان آورد زنده گانی جاودانی دارد و از برای او مؤخره
- ۲۵ نیست بلکه از مرگ نقل بزنده گسی کرده است \* هر آینه من بشما راست میگویم آن ساعت نزدیک است بلکه رسیده است که مرده گان آواز پسر خدا را بشنوند و شنونده گان زنده
- ۲۶ خواهند شد \* زیرا که چنانچه پدر در ذات خود زنده گانی دارد به پسر نیز واده است که او در ذات خود زنده گانی داشته باشد
- ۲۷ \* و قدرت با و واده است که هم حکمرانی بکند بعزت آنکه فرزند
- ۲۸ انسان است \* ازین تعجب ممکنید زیرا که آن ساعت می
- ۲۹ آید که همه آنان که در قبرها هستند آوازش را بشنوند \* و بیرون خواهند آمد آنانیکه نیکوئی کرده باشند از برای قیامت حیات و آن
- ۳۰ کسانیکه بد کرده باشند برای قیامت جبراً \* من از خود هیچ نمی توانم کرد موافق آنچه می شنوم حکم میکنم و حکم من بر حق است زیرا که من خواهش خود را نمی خواهم بلکه خواهش پدرم
- ۳۱ که مرا فرستاده است می خواهم \* اگر من در حق خود شهادت
- ۳۲ بدهم شهادت من راست نیست \* ویکری هست که در حق من شهادت میدهد و میداند که آن شهادت که در حق من
- ۳۳ میدهد راست است \* شما بنزد یحیی فرستادید و او بر راستی
- ۳۴ شهادت داد \* لیکن من از انسان شهادت نمی خواهم لیکن

- ۳۵ آجینز را میگویم تا شما نجات یابید \* واو چراغ سوزان و درخشان  
 بود و شما یک مدت می خواستید که در روشنائی او خوشوقت  
 ۳۶ باشید \* و من شهادتی دارم که بزرگتر از شهادت یحیی است  
 چه این کارها که پدر بمن داده است که آنها را تمام کنم یعنی  
 همین کارها که میکنم برای من شهادت میدهند که پدر مرا  
 ۳۷ فرستاده است \* و پدری که مرا فرستاد خود در حق من  
 شهادت داده است و شما گاهی آوازش را نشنیده بودید  
 ۳۸ و صورتش را ندیده بودید \* و شما سخنش را در دل جانداوید زیرا  
 ۳۹ که بر آنکس که فرستاده است ایمان نیاوردید \* کتابها را  
 تفتیش کنید چه شما خود کمان دارید که در آنها برای شما زنده کسی  
 ۴۰ جاوید باشد و اینها هستند که در حق من شهادت میدهند \* لیکن  
 ۴۱ شما نمی خواهید بنزد من بیایید تا زنده گانی بیابید \* من عزت از  
 ۴۲ جانب انسان نمم خواهم \* و شما را می شناسم که محبت خدا  
 ۴۳ در دل ندارید \* من باسم پدر خود آمده ام و شما مرا قبول نمیکنید  
 ۴۴ اگر ویکبری باسم خود بیاید او را قبول خواهید کرد \* شما که عزت  
 از یکدیگر قبول میکنید و آن عزت که محض از خدا میباشد  
 ۴۵ نمی طلبید چگونه ایمان می توانید آورد \* مپندارید که من شکایت  
 شما را پیش پدر میکنم هست که شکایت میکنند یعنی موسی که  
 ۴۶ باو پناه میجوئید \* اگر موسی را باور میکردید هر آینه مرا باور میکردید  
 ۴۷ زیرا که او در حق من نوشت \* لیکن چون نوشتههای او را باور  
 نمی کنید چگونه سخنان مرا باور خواهید کرد

باب هشتم

- ۱ بعد ازین عیسی باطرف دریای جلیل یعنی دریای تبریاس
- ۲ رفت \* وگروهی بسیار از عقب او رفتند زیرا که آن معجزاتی
- ۳ که او با بیماران می نمود میدیدند \* وعیسی بر بالای کوه رفت ودر
- ۴ آنجا با شاگردان خود بنشست \* وعید فصیح بهود نزدیک بود
- ۵ \* وعیسی چونکه نگاه کرد گروهی بسیار دید که نزد او می آیند
- ۶ فیلیپوس را گفت ما از کجا نان بخیریم تا اینها بخورند \* واین را
- برای امتحان کردن او فرمود زیرا که خود میدانست چه خواهد کرد
- ۷ \* فیلیپوس با جواب داد که دوپست دینار نان برای آنها کافی
- ۸ نیست تا هرکس از آنها قلیلی بخورد \* یکی از شاگردانش
- ۹ یعنی اندریاس برادر شمعون پطرس باو گفت \* درینجا جوانی
- است که پنج نان جوین و دو ماهی کوچک دارد لیکن این
- ۱۰ قلیل برای این جمعیت چه میشود \* عیسی فرمود آدم بار
- بنشانید ودر آنمقام گیاه بسیار بود و مردم تخمینا پنج هزار نفر بودند
- ۱۱ که نشستند \* عیسی آن نان را گرفت وشکر بجا آورد
- وبشاگردان قسمت کرد وشاگردان بنشستگان وبهمان طور از
- ۱۲ ماهیان آنچه می خواستند داد \* چون سیر شدند بشاگردان خود
- فرمود که پاره های که زیاد آمده است جمع کنید تا هیچ چیز از آن
- ۱۳ ضایع نشود \* پس جمع کردند واز پاره های جوین که آن پنج نان
- از پیش آنها که خورده بودند زیاد آمده بود دوازده طبق را پر کردند
- ۱۴ \* آن مردم چون معجزه را که عیسی نمود دیدند بتحقیق همان
- ۱۵ است آن پیغمبر که لازم بود که بجهان بیاید \* عیسی دریافت

که خواهند آمد و او را خواهند گرفت تا او را پادشاه سازند پس باز  
 ۱۶ بتنهائی بکوهی رفت \* چون وقت شام رسید شاکروانش  
 ۱۷ بکنار دریا آمدند \* و در کشتی سوار شده بانطرف دریا بسوی  
 کفرناحوم میرفتند و وقت تاریک شده یهو وعیسی هنوز بایشان  
 ۱۸ نرسیده یهو \* و دریا بعلت وزیدن بادی شدید باشوب درآمد  
 ۱۹ \* و چون که آنها بقدر بیست و پنج یا آنکه سی پرتاب تیر کشیدند  
 عیسی را دیدند که بر روی دریا راه میرو و بنزد کشتی می آید پس  
 ۲۱ ترسیدند \* اما بانها گفت که منم مترسید \* پس آنها بخواهش  
 او را بکشتی درآوردند و فی الفور کشتی بر زمین که بسوی آن  
 ۲۲ میرفتند رسید \* روز دیگر گروه که بر آنطرف دریا مانده بودند دیدند  
 که کشتی دیگر در آنجا نیست مگر کشتی که شاکروانش بر آن  
 ۲۳ سوار بودند و اینکه عیسی باشاکروان خود در کشتی داخل نشده  
 یهو بلکه شاکروانش تنها رفته بودند \* اما کشتیهامی دیگر از تبریاس  
 نزدیک آنجائی که ببرکت خداوند نان را خورده بودند آمده یهو  
 ۲۴ \* پس چون آن گروه ملاحظه کردند که نه عیسی و نه شاکروانش  
 در آنجا هستند آنها نیز بر کشتیهما سوار شدند و در تفحص عیسی  
 ۲۵ بکفرناحوم رسیدند \* و او را در طرف دیگر دریا یافته باو گفتند ربی  
 ۲۶ تو کی در اینجا آمدی \* عیسی بانها جواب داد و گفت که هر آینه  
 من بشما راست میگویم که شما در تفحص من هستید نه از آنجا که  
 شما معجزه ها را دیدید بلکه از آن سبب که نان ما را خوردید و سیر  
 ۲۷ کردیدید \* برای خوراک فانی تصدیع مکشید بلکه برای آن  
 خوراک که در زنده گی جاوید باقی می ماند و آنرا فرزند انسان بشما



۲۸ خواهد داد زیرا که خدای پدر او را مهر کرده است \* باو گفتند چه  
 ۲۹ کنیم تا کارهای خدا را بجا آریم \* عیسی بآنها جواب داده گفت که  
 کار خدا این است که بر آنکس که او فرستاده است ایمان اورید  
 ۳۰ \* باو گفتند چه معجزه میکنی تا ما به بینیم و تو را باور کنیم تو چه کار  
 ۳۱ میکنی \* پدران ما در وشت من خورده اند چنانکه نگارش یافته  
 ۳۲ که نان برای خوردن از آسمان بآنها داد \* عیسی بآنها گفت  
 هر آینه من بشما راست میگویم که موسی بشما نان آسمانی نداده  
 ۳۳ است بلکه پدرم نان آسمانی حقیقی بشما میدهد \* که نان خدا  
 آنست که از آسمان پائین می آید و بجهان زنده گسی می بخشد  
 ۳۴ \* باو گفتند ای آقا همیشه این نانرا بما بده \* عیسی بآنها گفت  
 منم نان حیات آنکس که بنزد من می آید هرگز گرسنه نخواهد  
 ۳۵ شد و آنکس که بر من ایمان آورد گاهی تشنه نخواهد شد \* لیکن  
 ۳۶ بشما گفتم که مرا دیدید و باور نکردید \* هر چه پدر بمن میدهد بنزد  
 من خواهد آمد و آنکس که بنزد من می آید من هرگز او را بیرون  
 ۳۷ نخواهم کرد \* زیرا که من از آسمان پائین آمدم نه برای آنکه  
 خواهش خود را بجا آورم بلکه خواهش آنکس که مرا فرستاده  
 ۳۸ است \* و خواهش پدر که مرا فرستاد اینست که هر چه بمن  
 بخشید من هیچ چیز آنرا ضایع نکنم بلکه در روز باز پسینش بر  
 ۳۹ خیزانم \* و خواهش آنکس که مرا فرستاد اینست که هر کس که  
 پسر را به بیند و بر او ایمان بیاورد مالک زنده گانی جاودانی شود و من  
 ۴۰ او را در روز باز پسین خواهم بر خیزانم \* آنکه بپرویان در باره  
 او همه کردند زیرا که گفت من آن نام که از آسمان پائین آمد

- ۲۲ \* گفتند که آیا این شخص عیسی پسر یوسف نیست که ما  
پدر و مادرش را می شناسیم پس او چگونه میگوید که از آسمان  
۲۳ پائین آمده ام \* عیسی بآنها جواب داد و گفت که شما با یکدیگر  
۲۴ همه مکنید \* هیچ کسی بنزد من نمیتواند آمد مگر آنکه پدری که  
را فرستاد او را بکشد و من او را در روز باز پسین خواهم بر خیزانید  
۲۵ \* در کتابهای پیغمبران اینچنین نگارش یافته که خدا همه آنها را  
خواهد آموخت پس هر کس که از پدر شنیده است و آموخته  
۲۶ است بنزد من می آید \* این نیست که کسی پدر را دیده باشد  
مگر آنکس که از جانب خدا هست آنست که پدر را دیده است  
۲۷ \* بدرستی که بشما راست میگویم که آنکس که بر من ایمان آورد  
۲۹ زنده گانی جاودانی می یابد \* منم نان حیات \* پدرات شما در  
۵۰ وشت من خورند و مرنند \* آن نان که از آسمان پائین آمده  
۵۱ آنچه آن است که اگر کسی از آن بخورد نمی میرد \* منم آن نان  
زنده کسی که از آسمان پائین آمده است اگر کسی ازین نان  
بخورد تا بابد خواهد زیست و آن نان که من خواهم داد جسم  
۵۲ منست که منش برای زنده کسی جهان خواهم داد \* آنکه به رویان  
با هدیگر نزاع کردند و گفتند که این کس جسم خورا چکونه برای  
۵۳ خوردن بما میتواند داد \* عیسی بآنها گفت بدرستی که من بشما  
راست میگویم که اگر شما جسم فرزند انسان را نخورید و خونش را  
۵۴ نیاشامید زنده کسی در شما نخواهد بود \* آنکس که جسم مرا میخورد  
و خون مرا میاشامد حیات ابدی دارد و من او را در روز باز پسین  
۵۵ خواهم بر خیزانید \* زیرا که جسم من فی الحقیقت خوراک است

- ۵۶ و خون من فی الحقیقت آشامید نیست \* وانکس که جسم  
 را میخورد و خون مرا می آشامد در من می ماند و من در وی
- ۵۷ \* آنچه آن که پدر زنده مرا فرستاد و من بسبب پدر زنده هستم
- ۵۸ انکس نیز که مرا میخورد بسبب من خواهد زیست \* پس  
 آن نان که از آسمان پائین آمده است اینست و این مثل  
 آن من نیست که پدران شما آنرا خورده مرزند چه انکس که
- ۵۹ این نان را میخورد تا بابد خواهد زیست \* این چیزها در
- ۶۰ مجمع وقتی که در کفر ناحوم وعظ می کرد گفت \* پس بسیاری  
 شاکر وانش شنیده گفتند که این کلام سخت و شوار است
- ۶۱ کیست که آنرا بتواند شنید \* عیسی بخور وانست که  
 شاکر وانش در باره آن غوغا می کنند پس بانها گفت آیا
- ۶۲ این سخن شما را مزاحم می کرد \* پس چگونه اگر شما فرزند
- ۶۳ انسان را به بینید که بانجا که بیشتر در آن بود بالا می رود \* روحست  
 آنچه زنده میکند و جسم هیچ فایده ندارد سخنهایی که من بشما میگویم
- ۶۴ روحست و حیاتست \* لیکن بعضی از شما هستند که ایمان  
 نمی آورند که عیسی از آغاز دانسته بود که کیانند آنان که ایمان نمی
- ۶۵ آورند و انکس کیست که او را بکرفتاری خواهد انداخت \* و گفت  
 هم از اینجهت بشما گفتم که هیچکسی بنزد من نمیتواند آمد مگر
- ۶۶ آنکه از جانب پدرم با او داده شود \* از آنوقت بسیاری از
- ۶۷ شاکر وانش عقب رفتند و دیگر با وی راه نمیرفتند \* عیسی با آن
- ۶۸ دوازده نفر گفت آیا شما نیز میخواهید بروید \* شمعون پطرس  
 با جواب داد اسی خداوند من بنزد کدام کس برویم آن کلام که

۶۹ زنده‌گانی جاوید دارد نرد تست \* و ما باور کرده ایم و دانسته ایم  
 ۷۰ که تو مسیح پسر خدای زنده هستی \* عیسی بآنها جواب داد که آیا  
 من شما دوازده نفر را برنگزیدم و حال آنکه یکی از شما خاین  
 ۷۱ است \* و قصد او یهودای اسخریوطی پسر شمعون بود زیرا که  
 این کس بود که بعد او را تسلیم کرد و یکی از آن دوازده نفر بود

باب هفتم

۱ بعد ازین عیسی در جلیل سیر میکرد زیرا که نمیخواست در یهودیه  
 ۲ سیر نماید بعلت آنکه یهودیان اراده داشتند که او را بکشند \* و عید  
 ۳ خیمه بنیان یهود قریب بود \* آنکه برادرانش باو گفتند از اینجا  
 نقل مکان کن و در یهودیه برو تا شاکروانت کارائی که میکنی به  
 ۴ بینند \* زیرا که هیچکس کاری پنهان نمیکند و میخواهد که خودش  
 نمودار باشد چونکه تو این کار را میکنی خود را بجهانیان نمودار  
 ۵ ساز \* چه برادرانش نیز بر او ایان نیاورده بودند \* عیسی بآنها  
 گفت که وقت من هنوز نیامده است و اما وقت شما همیشه  
 ۷ حاضر است \* جهان با شما کینه نمی تواند ورزید اما با من کینه  
 می ورزد زیرا که من در باره ایشان شهادت میدهم که  
 ۸ افعالشان قبیح است \* شما بجهت این عید بروید و من برای  
 ۹ عید الحال نمیروم زیرا که وقتم هنوز تمام نشده است \* این  
 ۱۰ سخنهارا با آنها گفته در جلیل ماند \* و چون برادرانش رفته بودند  
 ۱۱ آنگاه خودش نه در ظاهر بلکه گویا که پنهانی برای عید رفت \* پس  
 ۱۲ یهودیان او را در عید تفتحص کردند و گفتند او کجاست \* و همه  
 عظیم در باره او در میان خلق برخاست بعضی گفتند که خوب



- شخصی است و دیگران گفتند نه بلکه مردم را فریب میدهد  
 ۱۳ \* لیکن بعلب آنکه از بهر تو ترسیدند هیچکس در باره او ظاهراً  
 ۱۴ گفتگوئی نمیکرد \* آخر در وسط عید عیسی بهیكل رفت و تعلیم  
 ۱۵ کردن گرفت \* و بهر ویان حیران شدند و گفتند اینکس چگونه  
 ۱۶ علم دارد با وجود آنکه تعلیم نگرفته است \* عیسی بآنها جواب  
 داده گفت که تعلیم کردم از آن من نیست بلکه از آنکس  
 ۱۷ است که مرا فرستاده است \* و کسی که میخواهد خواهش او را  
 بجا آورد او این تعلیم مرا خواهد دریافت که آیا از خدا هست یا  
 ۱۸ آنکه من از پیش خود میگویم \* آنکس که از پیش خود میگوید  
 عزت خود را می طلبد و اما آنکس که عزت آنکه او را فرستاده  
 ۱۹ است طلب میکند راست است و در او غشی نیست \* آیا  
 موسی نیست که شما را شریعت داده است لیکن هیچکس از  
 ۲۰ شما آنرا بجا نمی آورد چرا میخواهید مرا بکشید \* آنروز در جواب  
 ۲۱ گفتند که با تو ویوی هست کیست که میخواهد تو را بکشد \* عیسی  
 جواب داده گفت که من یک کار کرده ام و شما همه حیران  
 ۲۲ هستید \* که موسی بشما امر بختنه کرده و حال آنکه از موسی  
 نیست بلکه از آباست و شما در روز سبت هم آدم را ختنه می  
 ۲۳ کنید \* پس چون کسی در سبت ختنه می یابد مبادا که آئین  
 موسی شکسته شود پس چرا شما بر من خشم میگیرید از آنکه من  
 ۲۴ شخصی را با انتقام در سبت شفا بخشیدم \* موافق ظاهر حکم  
 ۲۵ مکنید بلکه حکم بعدل بکنید \* بعضی از او را شلیسمیان گفتند که  
 ۲۶ آیا این آنکس نیست که در پی قتلش هستند \* و اینک در

ظاهر تکلم میکنند بوسیله هیچ چیز نمیگویند شاید که بزرگان برآستی در  
 ۲۷ یافتند که اینست فی الحقیقت مسیح \* لیکن اینکس را میدانیم  
 از کجا هست و مسیح چون بیاید هیچکس نمیداند که از کجا هست  
 ۲۸ \* عیسی در هیكل در تعلیم خود فریاد کرد و گفت شما مرا می  
 شناسید و میدانید که من از کجا هستم من از پیش خود نیامده  
 ام اما آنکسی که مرا فرستاده است حق است و شما او را نمی  
 ۲۹ شناسید \* لیکن من او را می شناسم زیرا که من از جانب او  
 ۳۰ هستم و او مرا فرستاده است \* پس او را خواستند گرفتار نمایند  
 لیکن هیچ کس بر او دست نینداخت زیرا که وقتش هنوز  
 ۳۱ نرسیده بود \* و بسیاری از خلق بر او ایمان آوردند و گفتند آیا  
 چون مسیح بیاید معجزه‌هایی بیش از معجزه‌هایی که اینکس نموده  
 ۳۲ است خواهد نمود \* و فریسیان می شنیدند این همه را که خلق  
 در باره او می کردند پس فرستادند فریسیان و کاهنان برک  
 ۳۳ سرهنکارا تا او را بگیرند \* عیسی گفت من مدت قلیلی دیگر با  
 شما هستم بعد از آن بنزد آنکس که مرا فرستاده است میروم  
 ۳۴ \* شما مرا جستجو خواهید نمود و خواهید یافت زیرا که آنجائی که من  
 ۳۵ هستم شما نمی توانید آمد \* یهودیان با یکدیگر گفتند که او کجا خواهد  
 رفت که ما او را نیابیم مگر بنزد پراکنده‌گان یونانی خواهد رفت  
 ۳۶ و یونانیان را تعلیم خواهد داد \* این چه سخن است که گفته است  
 که شما مرا جستجو خواهید کرد و خواهید یافت و جایی که من هستم  
 ۳۷ شما نمی توانید آمد \* در روز آخر که روزی بر رکست از آن عید  
 عیسی بایستاد و فریاد کرد که هر کس که تشنه است بنزد من آمده

- ۳۸ بیاشامد \* وانکس که بر من ایمان بیاورد از درون او چنانکه
- ۳۹ کتاب گفته است رودهای آب زنده‌گی خواهد ریخت \* این سخن را در باره روح گفت که آنهائی که بر او ایمان آورده باشند مقرر بود که بیابندش و هنوز روح القدس نیامده بود زیرا که عیسی
- ۴۰ هنوز بجلال نرسیده بود \* و بسیاری از آن جماعت سخنش را شنیده گفتند که بدرستی که این همان پیغمبر است \* و بعضی گفتند که این مسیح است و بعضی گفتند که آیا مسیح از جلیل
- ۴۲ می آید \* آیا که کتاب نگفته است که از نسل داود از بیت لحم از آن ده که در آنجا داود بود مسیح می آید \* پس بسبب وی
- ۴۳ در میان آنجماعت اختلاف افتاد \* بعضی از آنها خواستند که او را بگیرند لیکن هیچکس دست بر او نینداخت \* پس سرهنکها به پیش کاهنان بزرگ و فریسیان برگشته بایشان گفتند که چرا
- ۴۴ او را نیاورید \* سرهنکان جواب دادند که گاهی آدمی حرف نزده است آچنانکه این شخص میزند \* فریسیان بآنها جواب داده
- ۴۵ گفتند که آیا شما نیز فریفته شده اید \* آیا که هیچ کس از بزرگان یا از فریسیان بر او ایمان آورده است \* و این جماعت که
- ۵۰ شریعت را نمیدانند مورد لعنت هستند \* نيقوؤ یمس آنکه در شب به پیشش آمده بود و یکی از آنها بود بآنها گفت \* آیا که آئین ما بر شخصی پیش از آنکه از او بشنود دور یابد که چه میکند حکم میکنند
- ۵۲ \* باو در جواب گفتند که آیا تو نیز از جلیل هستی تفتیش کن و ببین که پیغمبری از جلیل گاهی مبعوث نشده است
- ۵۳ \* و هر کس بسوی خانه خود راه گرفت

باب هشتم

- ۲ وعیسی بطرف کوه زیتون رفت \* و صبح باز در هیکل حاضر شد و همگی مردم بنزوش آمده پس نشست و آنها را تعلیم داد
- ۳ \* و نویسنده کان و فریسیان زنی را که در زنا گرفته شده بود به
- ۴ پیشتش آوردند و او را در میان برپا داشته \* باو گفتند که ای استاد
- ۵ این زن در وقت فعل زنا گرفته شده است \* و در تورات
- موسی بما فرموده است که اینچنین زنها سنگسار بشوند پس تو
- ۶ چه میکنی \* و آنها این سخن را بر سیبل امتحان میگفتند تا
- جای شکایت کردن بر او میانند اما عیسی خم شده بر زمین
- ۷ بانگشت خود نوشت \* چونکه در پرسیدن اصرار کردند راست
- نشسته بانها گفت که آنکس که از شما بیگناه باشد بر او نخستین
- ۹ سنگ بیندازد \* بار دیگر خم شده بر زمین نوشت \* آنها این
- سخن را شنیده از شناخت خود ملزم شدند و ابتدا از بررگان
- شده تا آخرین یک یک همه بیرون رفتند و عیسی تنها باقی ماند
- ۱۰ و آنزن در میان ایستاده بود \* عیسی راست نشسته هیچ کس را
- سوا می آنزن ندید باو گفت ای زن آن مدعیان تو کجا رفتند
- ۱۱ آیا که هیچ کس بر تو حکم نکرده است \* گفت که ای آقا هیچ
- کس پس عیسی باو گفت که من نیز بر تو حکم نمیکنم برو و دیگر
- ۱۲ گناه مکن \* و باز عیسی بایشان فرمود که من نور جهانم و آنکس
- که مرا پیروی نماید در تاریکی راه نخواهد رفت بلکه نور زنده کسی را
- ۱۳ خواهد داشت \* پس فریسیان باو گفتند که تو در باره خود
- ۱۴ شهادت میدهی پس شهادت تو درست نیست \* عیسی



- بانهما جواب داده گفت که باوجودی که من در باره خود شهادت میدهم شهادتم درست است زیرا که میدانم از کجا آمده ام و کجا میروم و شما نمیدانید که من از کجا آمده ام و کجا میروم \* و شما بر حسب جسم حکم میکنید و من بر هیچ کس حکم نمیکنم \* و هرگاه که من حکم بکنم حکم من راست است زیرا که من تنها نیستم
- ۱۷ بلکه منم و پدر که مرا فرستاده است \* و در آئین شما نیز نوشته شده است که شهادت دو کس درست است \* من یک هستم که در باره خود شهادت میدهم و پدر که مرا فرستاد نیز در باره من شهادت میدهد \* با و گفتند که پدرت کجاست عیسی جواب داد که شما نه مرا میشناسید و نه پدر مرا اگر مرا می شناختید پدر مرا نیز می شناختید \* این سخنها را عیسی در خانه خزانه وقتیکه در هیكل تعلیم میداد گفت و هیچ کس او را گرفتار نکرد زیرا که
- ۲۱ وقتش هنوز نرسیده بود \* و عیسی باز ایشان را فرمود که من میروم و شما مرا جستجو خواهید نمود و در کناره خود خواهید مرد و جایی که من میروم شما نمی توانید آمد \* بهر دو بیان گفتند که آیا خود را خواهد
- ۲۳ کشت که میگوید جایی که من میروم شما نمی توانید آمد \* و آنها فرمود شما از تحتانی هستید و من از فوقانی هستم شما ازین
- ۲۷ جهان هستید و من ازین جهان نیستم \* و من از آن سبب گفتم بشما که در کناره های خود خواهید مرد زیرا که اگر شما ایمان
- ۲۵ نیاورید که منم در کناره های خود خواهید مرد \* با و گفتند که تو کیستی
- ۲۹ عیسی بانهما گفت که من آنکس که بشما در ابتدا گفتم \* بسیار چیزها در باره شما دارم که بگویم و شما را حکم کنم لیکن او که مرا

فرستاده است راست است و من هر آنچه از او شنیدم  
 ۲۷. جبهانیان میگویم \* و آنها ندا نهند که قصد او ازین حرفها پدر  
 ۲۸. یهو \* عیسی بانها فرمود که چون شما فرزند انسان را بلند کردید  
 آنکاه خواهید یافت که من هستم و از پیش خود هیچ نمیکنم بلکه  
 ۲۹. موافق آنچه پدرم بمن تعلیم کرده است حرف میزنم \* و آنکس که  
 مرا فرستاد با منست مرا پدر تنها نگذاشته است زیرا که هر چه رضای  
 ۳۰. اوست من علی التوام بجا می آورم \* وقتی که او این سخنهارا  
 ۳۱. میگفت بسیاری بر او ایمان آوردند \* پس عیسی بان یهودیان  
 که او را باور کرده بودند گفت که اگر شما در کلام من استوار بمانید  
 ۳۲. شما شاکردان حقیقی من هستید \* و راستی را خواهید فهمید  
 ۳۳. و راستی شما را آزاده کسی خواهد بخشید \* باو جواب دادند که ما  
 نسل ابراهیم هستیم و کاهي بندهگان کسی نبوده ایم پس چگونه  
 ۳۴. میگوئی که آزاد خواهید کردید \* عیسی بانها در جواب فرمود هر آینه  
 من بشما راست میگویم که هر کس که گناه میکند بنده گناهست  
 ۳۵. بنده در خانه همیشه نمی ماند اما پسر همیشه میماند \* پس اگر پسر  
 ۳۶. شما را آزاد بسازد شما فی الحقیقت آزاد خواهید بود \* من میدانم  
 که شما نسل ابراهیم هستید لیکن میخواهید مرا بکشید زیرا که  
 ۳۷. کلامم در دل شما جا نمیگیرد \* من آنچه از جانب پدرم دیده ام  
 ۳۸. میگویم و شما آنچه از پدر خود دیده اید می کنید \* باو جواب داد  
 که پدر ما ابراهیم است عیسی بانها گفت که اگر شما فرزند ابراهیم  
 ۳۹. میبودید هر آینه کارهای ابراهیم را بجامی آوردید \* اکنون شما در  
 پی قتل من هستید و حال آنکه من کسی هستم که این راستی را

- ۴۱ که از جانب خدا شنیده ام بشما گفتم ابراهیم اینچنین نمیکرد \* شما کارهای پدر خود را می کنید با و گفتند که ما از زنا متولد نشده ایم یک
- ۴۲ پدر داریم که خداست \* عیسی گفت که اگر خدا پدر شما میبود مرا دوست داشتید زیرا که من از خدا بیرون شدم و آدمم زیرا که من
- ۴۳ نه از خود آمده ام بلکه او مرا فرستاده است \* چرا شما گفتگوی مرا در نمی یابید سبب این که شما قابلیت ندارید که سخن مرا
- ۴۴ بشنوید \* شما را شیطان پدر است و خواهشهای پدر خود را میخواهید بجا آرید او از آغاز مردم کش بود و در راستی نماند زیرا که
- راستی در او نیست چون دروغ میگوید از چیزهای مختص بخود
- ۴۵ میگوید زیرا که او دروغ گوشت و پدر دروغهاست \* و من از آنجا
- ۴۶ که راست میگویم مرا باور نمی کنید \* کیست از شما که مرا بکنانه ملزم کند و در صورتی که راست میگویم شما چرا باور نمی کنید
- ۴۷ \* آنکس که از خداست سخن خدا را می شنود ازین سبب شما
- ۴۸ نمی شنوید که از خدا نیستید \* بهر ویان در جواب گفتند آیا که ما
- ۴۹ خوب نمی گوئیم که تو سمی هستی و در تو ویوی میباشد \* عیسی
- جواب داد که در من ویوی نیست بلکه پدر خود را عزت میکنم
- ۵۰ و شما مرا بیحرمتی میکنید \* و من حرمت خود را نمی طلبم و هست
- ۵۱ کسی که می طلبد و حکم می کند \* هر آینه من بشما راست می گویم که اگر کسی کلام مرا حفظ کند هرگز تا بابد مرگ را نخواهد دید
- ۵۲ \* بهر ویان با و گفتند که حالا در یافتیم که ویوی در تو میباشد ابراهیم
- مرده است و پیغمبران نیز مرده اند تو میگوئی که اگر کسی کلام مرا
- ۵۳ حفظ دارد او هرگز مرگ را نخواهد چشید \* آیا که تو هرگز از پدر ما

ابراہیم هستی او مرده است و پیغمبران مرده اند تو خویش را  
 ۵۴ چه کس می پنداری \* عیسی جواب داد که اگر من خوروا  
 ستایش میکنم شان من هیچ نیست پدر منست که مرا عزت  
 ۵۵ میدهد که شما میکوشید او خدای شماست \* لیکن شما اورا نمی  
 شناسید من اورا می شناسم و اگر بگویم که من اورا نمی شناسم  
 مثل شما دروغ گو میباشم لیکن من اورا می شناسم و کلامش را  
 ۵۶ یاد دارم \* ابراهیم پدر شما بسیار خواهش مند بود که روز مرا به بیند  
 ۵۷ پس دید و خوشوقتی کرو \* بهر ویان باو گفتند که تو هنوز پنجاه  
 ۵۸ سال نداری و ابراهیم را دیده \* عیسی بانها گفت که بدرستی  
 که من بشما راست میگویم که پیشتر از آنکه ابراهیم شد من  
 ۵۹ هستم \* آنگاه سنگهارا بر داشتند تا براو بیندازند لیکن عیسی  
 پنہان گشت و از وسط آنها آمده از هیکل بیرون رفت  
 و همچنین گذشت

### باب نهم

۲ و در بین راه رفتن مردی را دید که کور مادر زاد بود \* و شاکر و انش  
 اورا پرسیده که رتی کدام کس کنایه کرده است اینکس یا  
 ۳ والدینش که کور متولد شده است \* عیسی جواب داد که نه  
 اینکس کنایه کرد و نه والدین او لیکن تا کارهای خدا در او آشکارا  
 ۴ گردد چنین شد \* سزاوار است مرا که تا وقتی که روز است  
 بکارهای آنکسی که مرا فرستاده است مشغول باشم که شب می  
 ۵ آید و در آن هیچ کسی نمی تواند بشغلی پرداخت \* چند وقتی که  
 ۶ در جهان میباشم نور جهاتم \* این سخنها گفته بر زمین آب



- ۷ دهن افکنده از آن آب کل ساخت و بر چشمهای آن کور کل را مالید \* باو گفت برو و در جوض سیلوجا که ترجمه آنست فرستاده شده غسل کن پس رفت و غسل کرد و بینا پس آمد
- ۸ \* پس همسایگان و آنانکه او را پیشتر دیده بودند که کور بود گفتند
- ۹ آیا این آنکس نیست که می نشست و سؤال میکرد \* بعضی گفتند همین است و دیگران گفتند که مثل اوست او گفت
- ۱۱ من همانم \* باو گفتند که چشمهای تو چگونه کشاده شده است \* او جواب داده گفت شخصی که عیسی نام دارد کل ساخت و بر چشمهای من مالیده بمن گفت بجوض سیلوجا برو و غسل بکن
- ۱۲ پس رفته غسل کرده بینا شدم \* پس باو گفتند که او در کجا است گفت نمیدانم \* پس او را که کور بود بنزد فریسیان آوردند
- ۱۳ \* و سبت بود آنروزی که عیسی کل را ساخته چشمهای او را روشن کرد \* باز فریسیان او را پرسیدند که چگونه بینا شدی
- ۱۴ با آنها گفت که کل بر چشمهای من گذاشت و من غسل کرده بینا شدم \* بعضی از فریسیان گفتند که این شخص از جانب خدا نیست زیرا که روز سبت را نگاه نمیدارد و دیگران گفتند که مرد کناه کار اینچنین معجزات را چگونه می تواند نمود پس در میان آنها اختلاف افتاد \* باز بان کور گفتند که تو در باره او چه میگوئی که چشمهای تو را کشاده است او گفت که او پیغمبر است \* بهودیان در حق او باور نکردند که کور بود و بینا شد تا
- ۱۹ والدین آن بینا شده را خوانند \* و آنها را پرسیدند آیا این پسر شما است که میگوئید که او کور متولد شد پس حال چگونه می

- ۲۰ بیند \* والدین او جواب داده گفتند که ما میدانیم این پسر ما  
 ۲۱ هست و کور متولد شده است \* لیکن حال چگونه می بیند  
 نمیدانیم و کیست که چشمهای او را باز کرد هم نمیدانیم او خود  
 بالغست او را پرسش کنید او خود در باره خود حرف خواهد زد  
 ۲۲ \* والدین او این را گفتند بعزت آنکه از یهود ترسیدند زیرا که  
 یهودیان پیش از آن عهد با یکدیگر کرده بودند که اگر کسی اقرار  
 کند که او مسیح است او از مجمع بیرون کرده شود \* بهمین  
 ۲۳ علت والدین او گفتند که خود بالغ است او را پرسش کنید \* پس  
 بار دیگر آنکس را که کور بود خوانند و باو گفتند سپاس کن خدا را  
 ۲۴ که ما میدانیم که اینکس گناه کار است \* او جواب داده گفت  
 که اگر گناه کار است یا نیست نمیدانم این را میدانم که کور  
 ۲۵ بودم و حالا بینا هستم \* باز باو گفتند که او تو را چه کرد چگونه  
 ۲۶ چشمهای تو را کشاد \* بازها جواب داد که من شمارا یکبار گفتم  
 و شما نشنیدید چرا بار دیگر میخواهید بشنوید آیا شما نیز میخواهید که  
 ۲۷ شاگردان او بشوید \* او را و شنام دادند و گفتند تو شاگرد او هستی  
 ۲۸ و ما شاگردان موسی هستیم \* و میدانیم که خدا با موسی تکلم کرد  
 ۲۹ و اینکس را نمیدانیم که از کجاست \* آنکس جواب داده گفت  
 که بدرستی که این عجب است که شما میدانید که او از کجا  
 ۳۰ هست با وجود اینکه چشمهای مرا کشاده است \* و میدانیم که  
 خدا حرف گناه کارانرا نمی شنود اما در صورتیکه کسی خدا پرست  
 ۳۱ باشد و خواهشش را بجا آورد خواهش او را می شنود \* و از ابتدای  
 ۳۲ عالم نشنیده شد که چشمهای کسی را که کور متولد شد کسی

۳۳ کشاوه باشد \* پس اگر این شخص از طرف خدا نمی بود هیچ  
 ۳۴ نمی توانست کرد \* باو جواب داده گفتند که تو بالتقام در کنه  
 متولد شده پس تو ما را تعلیم میدهی آنگاه او را بیرون کردند  
 ۳۵ \* و عیسی شنید که او را بیرون کردند او را بر خورد و باو گفت آیا  
 ۳۶ تو بر پسر خدا ایمان می آوری \* جواب داد که ای آقا او کیست  
 ۳۷ که من بر او ایمان آورم \* عیسی گفت تو او را دیده و آنکس که با  
 ۳۸ تو گفتگو میکند همانست \* باو گفت خداوند ایمان آوردم و او را  
 ۳۹ پرستید \* عیسی گفت که من برای قضا درین جهنمای آمده ام  
 تا آنکسان که نمی بینند به بینند و آنکسان که می بینند کور شوند  
 ۴۰ \* و بعضی از فریسیان که باوی بودند این چیزها را شنیدند و باو  
 ۴۱ گفتند آیا ما نیز کور هستیم \* عیسی بانها گفت اگر شما کور  
 میبودید کنه نمی داشتید و حالا که میگوئید که می بینید پس کنه  
 شما ثابت است

باب دهم

۱ بدرستی که من بشما راست میگویم که هر کس که در محل  
 کوسفندان از در در نمی آید بلکه از طرف دیگر بالا می رود و وزر  
 ۲ و راهزنست \* و اما آنکس که از دروازه در می آید پاسبان  
 ۳ کوسفندانست \* و دربان برای او در را میکشاید و کوسفندان آواز  
 او را می شنوند و او کوسفندان خورا بنام میخواند و آنها را بیرون  
 ۴ می آورد \* و چونکه کوسفندان خورا بیرون می آورد پیش آنها  
 می رود و کوسفندان در پی او می افتند زیرا که آوازش را می شناسند  
 ۵ \* اما در عقب غیر او نخواهند رفت بلکه از او خواهند گریخت زیرا

- ۶ که آواز غیرا نمی شناسند \* عیسی آن مثل را بانها گفت لیکن
- ۷ آنها ندانستند که چه چیز بود که بایشان میگفت \* باز عیسی بانها
- گفت بدرستی که من بشما راست میگویم که من دروازه
- ۸ کوسفندانم \* و همه آنکسان که پیش از من آمدند زروا و راه زنها
- ۹ هستند لیکن کوسفندان سخن آنها را نشنیدند \* و من دروازه
- هستم که هرکس که از من بدرون بیاید ناجی خواهد شد و او
- ۱۰ بدرون خواهد آمد و بدر خواهد رفت و عیش خواهد یافت \* زرو
- نمی آید مگر برای آنکه زروی کند و زنج نماید و هلاک گرداند و من
- آمده ام تا که حیات از برای آنها بوه باشد و آنرا افزون دارند
- ۱۱ \* من شبان خوب هستم و شبان خوب جان خورا در راه
- ۱۲ کوسفندان می نهد \* اما زرو و آنکس که شبان نیست
- و کوسفندان از ان او نیست چون کرک را می بیند که می آید
- کوسفند را ترک میکنند و میکیزد پس کرک کوسفندان را
- ۱۳ بچنگ می آرد و آنها را پراکنده میکند \* و زرو میکیزد زیرا که زرو
- ۱۴ است و برای کوسفندان نمی اندیشد \* و من شبان خوب
- هستم و خاصه خویش را می شناسم و خاصه من مرا می شناسند
- ۱۵ \* آنچه آن که پدر مرا می شناسد من نیز پدر را می شناسم و من جان
- ۱۶ خورا براه کوسفندان می نهم \* کوسفندان و بیک دارم که ازین
- کله نیست مرا بایست که آنها را نیز بیاورم و آواز مرا خواهند
- ۱۷ شنید پس یک کله خواهند بود و یک کله بان \* ازین جهت
- پدر مرا دوست دارد که من جان خورا میدهم تا آنرا باز گیرم
- ۱۸ \* هیچ کس آنرا از من نمیگیرد بلکه من خود جانرا میدهم و من بر



- کذاشتنش اختیار دارم و اختیار دارم که آنرا باز گیرم و این حکم را
- ۱۹ از پدر خود یافتم \* پس بار دیگر در میان یهودیان بجهت این
- ۲۰ سخنها اختلاف افتاد \* بسیاری از آنها گفتند که او دیو دارد و دیوانه
- ۲۱ هست چرا سخن او را می شنوید \* بعضی گفتند که این سخنها
- سخنهای دیوانه نیست آیا که ویوی میتواند که چشمهای کوران را
- ۲۳ بینا کند \* آنگاه عید تجدید در اورشلیم بود و زمستان بود \* و عیسی
- ۲۷ در هیکل در رواق سلیمان ترازو میکرد \* یهودیان بگرد او در آمدند
- و باو گفتند تا کسی تو ما را در معرض شک گرفتار میکنی اگر تو
- ۲۵ مسیح هستی ما روشن بگو \* عیسی بانها جواب داد که من شمارا
- گفتم و شما باور نکردید آن کارائی که من باسم پدر خود میکنم برای
- ۲۶ من شهادت میدهد \* لیکن شما باور نمی کنید بعلت اینکه شما
- ۲۷ از کوسفندان من نیستید چنانچه بشما گفتم \* و کوسفندان من
- آواز مرا می شنوند و من آنها را می شناسم و آنها در عقب من می
- ۲۸ آیند \* و من بانها زنده کسی جاودانی میدهم و آنها هرگز تا باید هلاک
- ۲۹ نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد کشید \* و پدر
- من که آنها را بمن داده است بزرگتر از همه هست و هیچ کس
- ۳۰ نمی تواند که از دست پدر بیرون کند \* من و پدر یک هستیم
- ۳۲ \* و یهودیان سنگها را باز بر داشتند تا او را سنگسار کنند \* عیسی
- بانها جواب داد که من بسیاری کارهای خوب را از جانب پدر
- خود بشما نموده ام بجهت کدام از آنها است که شما مرا سنگسار
- ۳۳ میکنید \* یهودیان باو جواب داده برای کار خوب تو را سنگسار
- نمیکنیم بلکه بجهت کفر و بجهت اینکه تو انسان هستی و خود را

۳۴ خدا میکبروانی \* عیسی بانها جواب داد آیا در آئین شما نگارش  
 ۳۵ نیافته است که من گفتم شما خداها هستید \* پس چون آنها را که  
 کلام خدا نزد آنها آمد خداها گفت و کتاب قابل نقصان نیست  
 ۳۶ \* آیا شما بانگس که پدر اورا منزّه کرده و بجهان فرستاده میگوئید  
 ۳۷ که تو کفر میگوئی از آنجا که گفتم من پسر خدا هستم \* اگر من  
 ۳۸ کارهای پدر خود را بجا نمی آرم مرا باور نکنید \* و اگر بجا آرم هر چند  
 که مرا باور نکنید کارهای مرا باور کنید تا شما بدانید و باور کنید که پدر  
 ۳۹ در من است و من در وی \* و باز خواستند که اورا بگیرند ولیکن  
 ۴۰ از دست آنها بیرون رفت \* باز بانطرف رود اردن بانجا که  
 ۴۱ یحیی اول غسل میداد برکشت و در آنجا ماند \* بسیاری  
 بنزدش آمدند و گفتند بدرستی که یحیی هیچ معجزه نه نمود اما همه  
 ۴۲ سخنها که یحیی در باره او گفت راست بود \* و بسیاری در آنجا  
 برو ایان آوردند

### باب یازدهم

۱ و کسی که لعازر نام داشت و از بیت عنیه قریهٔ مریم و خواهرش  
 ۲ مرثا بود بیمار بود \* مریم آترن بود که خداوند را بعطر معطر ساخت  
 و پاهای اورا بمویهای خو خشک کرد برادر همان زن لعازر  
 ۳ بیمار بود \* پس خواهر آن بنزد او فرستادند و گفتند خداوند اینک  
 ۴ آنکس که تو دوست داری بیمار است \* عیسی شنیده گفت که  
 این بیماری تا بموت نیست بلکه برای بررکی خدا است تا پسر  
 ۵ خدا بوسیلهٔ آن بررکی یابد \* عیسی مرثا و خواهرش و لعازر را  
 دوست میداشت \* پس چون شنید که بیمار است در جائی

- ۷ که می بود دو روز ماند \* بعد ازین بشاکردان خود گفت که باز
- ۸ بیهوویه میرویم \* شاکردان باو گفتند که زنی بیهویان الحال
- ۹ خواستند که تورا سنکسارا کنند آیا که تو آنجا باز میگردی \* عیسی
- جواب داد که آیا در روز دوازده ساعت نیست اگر کسی در
- ۱۰ روز بخرامد لغزش نمیکند زیرا که نور این جهان را می بیند \* اما
- کسی که در شب بخرامد لغزش می یابد زیرا که روشنی درو
- ۱۱ نیست \* اینچنین فرمود و بعد از آن بآنها گفت که دوست ما
- ۱۲ لعازر خوابیده است اما میروم تا آنکه او را بیدار کنم \* شاکردانش
- ۱۳ گفتند ای آقا اگر خوابیده است رستگار خواهد شد \* عیسی در
- باره مرکش حرف میزد و آنها کمان میداشتند که در باره آرام
- ۱۴ خواب میفرمود \* آنگاه عیسی بآنها روشن فرمود که لعازر مرده
- ۱۵ است \* و بعلت شما یعنی تا آنکه ایمان آورید من خوش هستم
- ۱۶ که در آنجا نبوم و حال ترووی برویم \* ثوما که دومی را میگویند
- ۱۷ بهم پیشکان خود گفت که ما برویم که تا باوهی بمیریم \* و عیسی آمده
- ۱۸ یافت که او حال چهار روز است که در قبر است \* و بیت
- ۱۹ عنیه نزدیک باورشلیم قریب بیانزوه تیر پرتاب بود \* و بسیاری
- از یهود بنزد مرثا و مریم آمده بودند تا آنها را در باره برادر آنها تسلی
- ۲۰ دهند \* مرثا چون شنید که عیسی می آید او را استقبال کرد و مریم
- ۲۱ در خانه نشسته ماند \* مرثا بعیسی گفت که ای آقا اگر تو در اینجا
- ۲۲ میبودی برادر من نمیمرد \* لیکن الحال میدانم که هرچه تو از خدا
- ۲۳ خواهی خدا بتو خواهد داد \* عیسی باو گفت که برادر تو خواهد بر
- ۲۴ خاست \* مرثا باو گفت میدانم که در قیامت در روز باز پسین

۲۵ خواهد برخاست \* عیسی باو فرمود که من قیامت و حیاتم آنکس  
 ۲۶ که بر من ایمان می آورد باوجود اینکه بمیرد زنده خواهد بود \* و هر  
 آنکس که زنده است و بر من ایمان می آورد تا بابد خواهد مرد  
 ۲۷ آیا که تو این را باور میکنی \* باو گفت بلی خداوند من باور کرده  
 ام که تو مسیح هستی پسر خدا که آمدن او در جهان لازم بود  
 ۲۸ \* و این سخنها را گفته باز کشت و خواهر خود مریم را پنهانی  
 ۲۹ خواند و گفت استوار آمده است تو را میخواند \* و او چون شنید  
 ۳۰ بیرومی برخاسته بخدمتش رسید \* عیسی بان قریه هنوز نرسیده  
 ۳۱ بود بلکه در آنجا بود که مرثا او را استقبال کرد \* یهوویان که با وی  
 در خانه بودند و او را تسلی می دادند چون دیدند که مریم بیرومی  
 برخاست و بیرون رفت در پی او آمدند و گفتند که بر سر قبر میرو  
 ۳۲ تا در آنجا بگریه \* پس مریم چون آنجا که عیسی بود آمد و او را دید  
 بر پایهای او افتاد و باو گفت ای خداوند اگر تو در اینجا میبودی  
 ۳۳ برادر من تمیزو \* عیسی چون او را دید که میگریه و نهویانرا که  
 همراه او بودند دید که می گریند آه سروی کشیده متاکم گردید  
 ۳۴ \* و گفت شما او را کجا گذاشته اید باو گفتند ای آقا سیا و به بین  
 ۳۵ \* و عیسی بگریست \* و یهوویان گفتند که بیین چه قدر او را  
 ۳۶ دوست میداشته است \* بعضی از آنها گفتند که آیا اینکس که  
 چشمهای آن کور را روشن کرد قدرت نداشت که باعث شود  
 ۳۸ که اینکس نمیرد \* عیسی بار و یکبار آه سروی کشیده بقبر آمد غاری  
 ۳۹ بود و سنگی بر آن گذارده بودند \* عیسی فرمود سنگ را بردارید  
 مرثا خواهر آن مرده باو گفت ای خداوند این حالا بدوست که



- ۲۰ چهار روز است که مرده است \* عیسی بوی فرمود که آیا من  
 ۲۱ تورا نکفتم که اگر باور کنی بر کسی خدا را خواهی دید \* پس آن  
 سنگ را از جای که مرده در آن گذاشته شده بود برداشتنند  
 عیسی چشمه‌ها را بالا کرد و گفت ای پدر تورا شکر میکنم که تو  
 ۲۲ خواهش مرا شنیده \* و من دانسته ام که تو خواهش مرا همیشه  
 میشنوی لیکن بعلت این گروه که بدور ایستاده اند گفتم تا آنکه  
 ۲۳ باور کنند که تو مرا فرستاده \* و این سخنها را گفته باواز بلند بانگ  
 ۲۴ زدای لعافور بیرون بیا \* و آنمروه بیرون آمده پایها و دستهای او  
 بکفن و پیچیده و چهره اش بر مال ملفوف بود عیسی بآنها گفت  
 ۲۵ اورا کشائید و اورا بگذارید برو \* پس بسیاری از یهودیان که  
 بنزد مریم آمده بودند آنچه عیسی کرده بود دیدند بر او ایمان آوردند  
 ۲۶ \* و بعضی از آنها بنزد فریسیان آمدند و آنها را آنچه عیسی کرده بود  
 ۲۷ اطلاع دادند \* پس کاهنان بزرگ و فریسیان در مجلسی باهم  
 جمع گردیدند و گفتند که ما چه کنیم زیرا که این شخص معجزه‌های  
 ۲۸ بسیار مینماید \* اگر ما باین قسم اورا و اکناریم همه معتقد او خواهند  
 ۲۹ شد و رومیان خواهند آمد و مقام و قوم ما را خواهند بر گرفت \* و یکی  
 از آنها که قیافا نام داشت و کاهن بزرگ آنسال بود بآنها  
 ۵۰ گفت \* شما هیچ نمیدانید و تصور نمیکنید که برای ما مفید است  
 ۵۱ که یک کس برای قوم بمیرد و تمام قوم هلاک نشود \* و این را  
 از خود نکفت بلکه بجهت آنکه کاهن بزرگ آنسال بود خبر  
 ۵۲ داد که عیسی برای آن قوم خواهد مرد \* و نه برای آن قوم  
 بندهائی بلکه تا آنکه فرزندان پراکنده خدا را بیک جا جمع کند

۵۲ \* پس آنها از آنروز مشورت کردند تا او را بکشند \* از آن سبب عیسی دیگر در میان یهود ظاهر را سیر نمیکرد بلکه از آنجا بجائی که نزدیک بدشت بود بشهری که افریم نام داشت رفته در آنجا با ۵۵ شاگردان خود بسر میبرد \* و صبح یهود نزدیک بود پس بسیاری از آنزمین پیش از فصح باورشلیم رفتند تا خود را ظاهر سازند ۵۶ \* و عیسی را تفحص میکردند و در هیكل ایستاده با یکدیگر میگفتند ۵۷ که شما چه گمان دارید که بعید نخواهد آمد \* کاهنان بر رک و فریسیان حکم داده بودند که اگر کسی بداند که او در کجاست نشان بدهند تا او را گرفتار کنند

باب دوازدهم

۱ شش روز قبل از عید فصح عیسی به بیت عنیه بکنان لعازر مرده ۲ که از میان مردهگان او را بر خیزانیده بود آمد \* و در آنجا برای او طعام آماده کردند و مرثا خدمت میکرد و لعازر یکی از همنشینان ۳ بود \* مریم رطل عطر سنبل خاص کران قیمت را گرفته بپایهای عیسی مالید و پایهای او را بمویهای خود خشک کرد و خانه بیوی ۴ آن عطر پر شد \* آنگاه یکی از شاگردانش یعنی یهوای اسخر ۵ یوطی پسر شمعون که بعد با او خیانت کرد گفت \* که این عطر ۶ چرا بسیصد دینار فروخته نشد که بفقریان داده شود \* و گفتن او این را نه از آنجا بود که برای فقریان می اندیشید بلکه ازین سبب بود که زود بود و کیسه میداشت و آنچه را که در آن می افتاد ۷ می برد \* عیسی فرمود که او را بگذار که این را برای دفن من نگاه ۸ داشته است \* زیرا که فقرا همیشه با شما هستند و من همیشه با شما

- ۹ نیستم \* گروهی بسیار از یهوو یافتند که او در آنجا هست پس  
 آمدند نه برای عیسی و بس بلکه تا لعازر را که او را از مرده کان بر  
 ۱۰ خیزانیده بوو نیز به بینند \* پس کاهنان بزرگ مشورت کردند که  
 ۱۱ که لعازر را نیز بقتل برسانند \* زیرا که بسیاری از یهوو بسبب او  
 ۱۲ برگشتند و بر عیسی ایمان آوردند \* روز دیگر گروه انبوه که بعید آمده  
 ۱۳ بودند چون شنیدند که عیسی باورشلیم می آید \* شاخه های نخل را  
 گرفتند و برای استقبال او بیرون آمده فریاد کردند که هوشعنا  
 مبارک باد آنکس را که باسم خداوند می آید و پادشاه اسرائیل  
 ۱۴ است \* و عیسی خیرا یافته بر او نشست چنانکه نوشته شده  
 ۱۵ است \* که امی دختر صیون مترس اینک پادشاه تو بر گره خرمی  
 ۱۶ نشسته بنزد تو می آید \* شاگردان او این چیز را نخستین نفهمیدند  
 لیکن چون عیسی بجلال خود آمد آنها را یاد آمد که این سخنها  
 برای او نوشته شده بوو و اینکه آن کار را برای او کرده بودند  
 ۱۷ \* و گروهی که با وی بودند شهادت میدادند که لعازر را از قبر خواند  
 ۱۸ و او را از میان مرده کان بر خیزانید \* ازین جهت گروهی او را  
 استقبال کردند زیرا که شنیده بودند که این معجزه ها را نموده بوو  
 ۱۹ \* و فریسان بیکدیگر گفتند آیا می بینید که هیچ نفعی ندیده آید  
 ۲۰ اینک جهان در عقب او رفته است \* و از آنان که آمده بودند  
 ۲۱ که در عید پرستش کنند بعضی یونانی بودند \* اینها بنزد فیلیپوس  
 که از بیت صیدا ی جلیل بوو آمدند او را سؤال کردند که ای آقا  
 ۲۲ ما میخواهیم که عیسی را دیده باشیم \* فیلیپوس آمد و باند ریاس  
 ۲۳ گفت باز اندر ریاس و فیلیپوس بعیسی گفتند \* عیسی بانها جواب

واده گفت که وقت رسیده است که فرزند انسان بجلال خود  
 ۲۷ آید \* و بدرستی که من بشما راست میگویم که واته کندم اگر در زمین  
 نیفتد و میرو همان می ماند و اگر بمیرو بسیار میوه بار می آورد  
 ۲۵ \* آنکس که جان خود را دوست دارد آنرا ضایع خواهد کرد و آنکس  
 که جان خود را در این جهان دشمن دارد آنرا تا بحیات جاودانی  
 ۲۶ نگاه خواهد داشت \* اگر کسی مرا خدمت کند مرا پیروی نماید و در  
 آنجایی که من هستم خادم من نیز خواهد بود و اگر کسی مرا خدمت  
 ۲۷ کند پدر او را عزت خواهد داد \* اکنون جان من مضطرب گردیده  
 است و من چه بگویم ای پدر مرا ازین ساعت رهایی ده لیکن  
 ۲۸ برای همین تا باین ساعت رسیده ام \* ای پدر اسم خود را جلال  
 ده آنگاه آوازی از آسمان آمد که جلال واده ام و هم خواهم داد  
 ۲۹ \* و گروهی که ایستاده بودند شنیده گفتند که رعد شد و بکیران گفتند  
 ۳۰ که فرشته باو حرف زد \* عیسی جواب واده گفت که این آواز  
 ۳۱ برای من نشده است بلکه برای شما است \* اکنون بر این  
 جهان حکم میشود و اکنون رئیس این جهان افکنده خواهد  
 ۳۲ شد \* و من چون از زمین بلند شدم همه را بنزد خود خواهم کشید  
 ۳۳ \* او این سخن را گفت تا اشارتی کرده باشد که بچه قسم خواهد  
 ۳۴ مرد \* گروهی در جواب گفتند از شریعت ما شنیده ایم که مسیح  
 تا بابد می ماند و تو چگونه میگوئی که فرزند انسان میباید که بلند  
 ۳۵ کرده بشود کیست این فرزند انسان \* عیسی بانها فرمود که  
 مدت قلبی دیگر نور باشما هست پس راه روید ما دامی که نور  
 دارید مبادا که تاریکی شمارا گیرد و آنکس که در تاریکی میخرامد



۳۶ نمیداند بکجا میرو \* مادامی که نور وارید بر نور ایمان آرید تا آنکه  
 ۳۷ انبای نور شوید عیسی این سخنهارا گفته رفت و از آنها پنهمان  
 ۳۸ کردید \* اما با وجودیکه او اینقدر معجزه را در پیش آنها نموده بود بر  
 ۳۹ او ایمان نیاورند \* تا آن سخن اشعیه پیغمبر مکمل کرد که  
 گفت خداوند اکیست که گفته ما را باور کرده است و با زوی  
 ۴۰ خداوند بر که هویدا شده است \* هم ازین علت باور نتوانستند  
 ۴۱ کرد که اشعیه باز گفته است \* که او چشمهای آنها را کور کرده  
 است و دلهای آنها را سخت مبادا که چشمها به بینند و بدل  
 ۴۲ بفهمند و بر گردند و من آنها را شفا بخشم \* اشعیه این سخنهارا  
 گفت در آن هنگام که جلالش را مشاهده نمود که در باره او حرف  
 ۴۳ زد \* هر چند بسیاری از بزرگان نیز بر او ایمان آورند لیکن بعلت  
 ۴۴ فریسیان اقرار نمی گردند که مبادا خارج از مجلس شوند \* زیرا که  
 ۴۵ آنها عزت مردم را بیشتر از عزت خدا دوست میداشتند \* عیسی  
 فریاد کرد و گفت که آنکس که بر من ایمان آورد بر من ایمان  
 ۴۶ نیاورده است بلکه بر آنکس که مرا فرستاده است \* و آنکس  
 ۴۷ که مرا می بیند آنکس را که مرا فرستاده می بیند \* من در جهان  
 ۴۸ نوری آمدم تا که هر کس که بر من ایمان آورد در تاریکی نماند \* و اگر  
 کسی سخنهای مرا بشنود و باور نکند من بر او حکم نمیکنم زیرا که  
 من آمده ام نه از برای اینکه بر جهان حکم کنم بلکه برای آنکه  
 ۴۹ جهانرا نجات دهم \* و آنکس که مرا خوار می کند و سخنهای مرا  
 نمی پذیرد حکم کننده دارم آن سخنی که من گفتم همان اوست در  
 ۵۰ روز باز پسین حکم خواهد کرد \* زیرا که من از خود حرف

نزوه ام بلکه پدر که مرا فرستاده است بمن فرمان داد که من  
 ۵۰ چه گویم و بچه حرف بنرم \* و من میدانم که فرمان او حیات  
 جاوید است پس هر آنچه من میگویم موافق آنچه پدر بمن  
 گفته است

باب سیزدهم

- ۱ و قبل از عید فصح عیسی چونکه وانست که وقت انتقال او  
 ازین جهان بپدر آمده است آنچه آن که خوبشان خوروا در جهان  
 دوست داشته بود همان طور تا بآنها آنها را دوست داشت
- ۲ \* پس چون شام خوردند ابلیس در دل یهودای اسخریوطی
- ۳ پسر شمعون انداخته بود که با او خیانت کند \* عیسی از آنجا که  
 وانست که پدر همه چیزها بدست او داده است و آنکه از خدا
- ۴ آمده است و بسوی خدا بر میگردد \* از نان شام برخاست
- ۵ و رختها را گذاشت و دستمالی را گرفته کمر خوروا بست \* بعد از  
 آن آب را در لکن ریخت و بشستن پایهای شاگردان و خشک
- ۶ کردن بان دستمال که بر کمر داشت آغاز نمود \* پس بنزو  
 شمعون پطرس آمده او بومی گفت ای خداوند آیا تو پایهای مرا
- ۷ می شوی \* عیسی باو جواب داده گفت که آنچه میکنم تو بالفعل
- ۸ نمیدانی لیکن بعد ازین خواهد وانست \* پطرس باو گفت که  
 تو هرگز گاهی پایهای مرا نخواهی شستن عیسی باو جواب داد که  
 اگر من تورا نشویم از برای تو با من هیچ نصیبی نخواهد بود
- ۹ \* شمعون پطرس باو گفت ای خداوند نه پایهای مرا و بس
- ۱۰ بلکه دستها و سررا نیز \* عیسی باو گفت آنکس که غسل کرده

- است احتیاج ندارد الا پاهارا بشوید بلکه بالکل پاکست و شما  
 ۱۱ پاک هستید لیکن نه همه \* زیرا که تسلیم کننده خورامی شناخت  
 ۱۲ واز همین جهت گفت که شما همه پاک نیستید \* پس چون  
 پاهای آنها را شست رختهای خوراک گرفته باز بنشست و آنها  
 ۱۳ گفت بفهمید که من بشما چه کرده ام \* شما مرا باستاد و آقا مخاطب  
 ۱۴ میسازید و خوب میگوئید زیرا که هستم \* پس چون من که آقا  
 و استادم پاهای شما را شسته ام شما را نیز باید که پاهای یکدیگر را  
 ۱۵ بشوئید \* که من بشما نمونه وادم تا آنچه من بشما کردم شما نیز  
 ۱۶ بکنید \* بدرستی که من بشما راست میگویم که بنده از آقامی خود  
 بزرگتر نیست و نه رسول از آنکسی که او را فرستاده است  
 ۱۷ بزرگتر است \* در صورتیکه شما این چیزها میدانید خوشا حال  
 ۱۸ شما اگر آنها را بجا آورید \* من در بابت همگی شما حرف نمی زنم  
 من میدنم کسانیرا که برگزیده ام لیکن تا آنکه کتاب کامل گردد  
 آنکس که با من نان میخورد پاشنه پای خوراک بر من بلند کرده  
 ۱۹ است \* من شما را الحال قبل از وقوع خبر میدهم تا که چون واقع  
 ۲۰ شده باشد باور کنید که من هستم \* بدرستی که من بشما راست  
 میگویم که هرکس که قبول کند کسی را که من میفرستم مرا قبول  
 کرده است و هرکس که مرا قبول کرده است قبول کرده  
 ۲۱ است کسی را که مرا فرستاده است \* چون عیسی اینچنین  
 گفت در دل مضطرب گردید و شهادت داد و گفت بدرستی که  
 من بشما راست میگویم که یکی از شما مرا خیانت خواهد نمود  
 ۲۲ \* آنگاه شاگردان یکدیگر نگاه کردند و تردید میکردند که آیا قصدش

- ۲۳ کدام خواهد بود \* و یکی از شاگردان بود که در پهلوی عیسی می نشست و او را عیسی دوست میداشت \* پس شمعون پطرس با او اشارت کرد که تا بپرسد آیا کدام یک را قصد کرده است
- ۲۴ \* پس او بر سینه عیسی افتاده باو گفت خداوند کدامست
- ۲۵ \* عیسی جواب داد همانست که من لقمه را ترک کرده باو بدهم پس
- ۲۶ لقمه را ترک کرد بیهودای اسخریوطی پسر شمعون داد \* بعد از لقمه شیطان در او داخل شد پس عیسی باو گفت آنچه میکنی زور
- ۲۸ بکن \* لیکن هیچیک از حاضران ندانستند که چه چیز باو تکلم فرمود
- ۲۹ \* بعضی گمان داشتند که از آنجا که بیهودا کیسه را داشت عیسی باو گفت که چیزی از آنچهها که ما برای عید محتاج هستیم بخر یا
- ۳۰ آنکه بفرا چیزی بدهد \* پس او لقمه را گرفته فی الفور بیرون رفت و شب بود \* چون بیرون رفت عیسی گفت فرزند
- ۳۱ انسان اکنون جلال یافت و خدا نیز بومی جلال یافت \* چونکه خدا بومی جلال یافت خدا نیز او را بخور جلال خواهد داد و بزودی
- ۳۲ خواهد داد \* ای طفلان هنوز رمی و یگر با شما هستم شما مرا تفحص خواهید کرد و آنچهانکه من بیهودیان گفتم جائی که من
- ۳۳ میروم شما نمی توانید آمد بشما نیز حال میکنم \* و من بشما حکم تازه میکنم که شما یکدیگر را دوست دارید آنچهانکه من شما را دوست
- ۳۴ داشته ام زینهار که شما نیز یکدیگر را دوست دارید \* و همین تمامی خواهند دانست که شما مرا شاگردان هستید اگر در شما دوستی
- ۳۵ یکدیگر باشد \* شمعون پطرس باو گفت ای خداوند تو کجا میروی عیسی باو جواب داد که جائی که میروم تو اکنون در عقب من نمی



۳۷ توانی آمد لیکن بعد تو در عقب من خواهی آمد \* پطرس باو  
گفت ای خداوند من چرا نمی توانم که اکنون در عقب تو بیایم من  
۳۸ جان خور را در راه تو خواهم نهاد \* عیسی باو جواب داد تو جان  
خور را برای من خواهی نهاد بدرستی که من بتو راست میگویم که  
خروس بانگ نخواهد زد تا وقتی که تو مرا سه بار انکار کرده باشی

باب چهاردهم

۱ دل شما مضطرب نشو و شما بر خدا ایمان می آرید و بر من نیز ایمان  
۲ آرید \* در خانه پدر من آبادی بسیار است و نه بشما میگویم میروم  
۳ تا جائی برای شما آماده کنم \* و من چون رفته باشم و جائی برای  
شما مهیا کرده باشم باز می آیم و شما را بنزد خود خواهم برد تا در جائی  
۴ که من هستم شما نیز باشید \* و شما جائیکه میروم میدانید و راه را می  
۵ شناسید \* ثوما یوی گفت ما نمیدانیم تو بکجا میروی \* پس راه را  
چگونه می توانیم دانست عیسی باو گفت که من راه و راستی  
۷ و حیاتم هیچکسی بنزد پدر بغیر از وسیله من نمی آید \* اگر شما مرا می  
شناختید پدر مرا نیز می شناختید و ازین بعد او را می شناسید  
۸ و او را دیده اید \* فیلیپوس باو گفت ای خداوند پدر را ما نشان  
۹ بده که برای ما کافیسست \* عیسی باو گفت ای فیلیپوس من  
اینقدر مدت باشما هستم تو مرا شناخته آنکس که مرا دیده است  
۱۰ پدر را دیده است تو چگونه میگوئی که پدر را ما نشان بده \* آیا تو  
باور نمیکنی که من در پدر هستم و پدر در من سخنهایی که من  
بشما میگویم از خود نمیگویم بلکه پدر که در منست همان این کار را  
۱۱ میکند \* مرا باور کنید که من در پدر هستم و پدر در من و الا بعثت

- ۱۲ این کارها مرا باور کنید \* هر آینه من بشما راست میگویم که آنکس که بر من ایمان آورد این کارها را که من میکنم او نیز خواهد کرد بلکه بزرگتر ازین نیز خواهد کرد زیرا که من بنزد پدر
- ۱۳ خود میروم \* و هر آنچه با اسم من در خواهید خواست آنرا من
- ۱۴ خواهم کرد تا آنکه پدر بسبب پسر جلال یابد \* اگر چیزی را با اسم
- ۱۵ من بخواهید بدهم \* اگر شما مرا دوست دارید احکام مرا نگاه
- ۱۶ دارید \* و من از پدر خواهم خواست و او تسلی و هدیه و بیکر بشما
- ۱۷ خواهد داد که تا باید شما خواهد ماند \* روح راستی که اورا جهمان
- نمی تواند پذیرفت زیرا که اورا نمی بیند و نمی شناسد اما شما اورا
- ۱۸ می شناسید زیرا که نزد شما می ماند و در شما خواهد بود \* شما را یتیم
- ۱۹ نخواهم گذاشت بنزد شما خواهم آمد \* اندکی دیگر هست که
- جهمان و بیکر مرا نمی بیند اما شما مرا می بینید از آنجا که من زنده
- ۲۰ ام شما نیز زنده خواهید بود \* و در آنروز شما خواهید دانست که
- ۲۱ من در پدر خود هستم و شما در من و من در شما \* آنکس که احکام
- مرا دارد و آنها را نگاه دارد آنست که مرا دوست دارد و آنکه مرا
- دوست دارد محبوب پدرم خواهد شد و من اورا دوست خواهم
- ۲۲ داشت و خوروا بر او نمودار خواهم نمود \* پهورا نه آن اسخریوطی
- بوی گفت ای خداوند چگونه هست که تو خوروا بر ما نمودار خواهی
- ۲۳ کرد نه بر جهمانیان \* عیسی باو جواب داده گفت که اگر کسی مرا
- دوست دارد و کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدر من اورا دوست
- خواهد داشت و ما بنزدش خواهیم آمد و باوی قرار خواهیم کرد
- ۲۴ \* آنکسی که مرا دوست ندارد کلام مرا نگاه نخواهد داشت و حال

آنکه کلامی که می شنوید از آن من نیست بلکه از آن پدریست  
 ۲۵ که مرا فرستاده است \* من این سخنهارا چونکه نزدیک شما  
 ۲۶ بودم بشما گفته ام \* لیکن آن تسلی دهنده یعنی روح القدس که  
 پدر اورا با اسم من خواهد فرستاد همان شمارا هر چیز خواهد  
 ۲۷ آموخت و هر چه من شمارا کفتم بیاد شما خواهد آورد \* آرام برای  
 شما میکنم بل آرام خورا بشما میدهم نه چنانکه جهان میدهد  
 من بشما میدهم دل شما مضطرب نشود و ترسان نباشد  
 ۲۸ \* شنیدید که من بشما کفتم که میروم و بنزد شما می آیم اگر شما مرا  
 دوست می داشتید خوش میشدید از آنجا که کفتم من بنزد پدر  
 ۲۹ میروم زیرا که پدر من از من ترک تراست \* و حالا قبل از  
 ۳۰ وقوع بشما خبر دادم تا که چون وقوع یابد باور کنید \* دیگر بسیار با  
 شما گفتگو خواهم نمود زیرا که رئیس این جهان می آید و در من  
 ۳۱ حصه ندارد \* لیکن تا آنکه جهان بداند که من پدر را دوست  
 میدارم من آنچه آنکه پدر فرموده است بهمان طور میکنم برخیزید تا  
 از این جا برویم

باب پانزدهم

۲ من تا که حقیقی هستم و پدر من باغبانست \* هر شاخی که در  
 من میوه نیارو آنرا بر میدارو و هر شاخی که میوه آرد آنرا صاف  
 ۳ میکند تا آنکه میوه بیشتر بیارو \* الحال شما بعلت آن سخن  
 که من بشما گفته ام صاف هستید شما در من بمانید و من در شما  
 ۴ \* زیرا که آنچه آنکه که شاخ میوه از خود نمی تواند آورد مگر آنکه در  
 تا که بماند بهمان طور شما نیز اگر در من نمی مانید بی ثمر خواهید

- ۵ بود \* و من آن تاک هستم و شما شاخها و آنکس که در من می ماند و من در وی او میوه بسیار می آرد زیرا که شما جدا از من هیچ
- ۶ نمی توانید کرد \* اگر کسی در من نمی ماند او مثل شاخ بیرون انداخته می شود که خشک می شود و آنها را جمع می کنند و در
- ۷ آتش می اندازند و سوخته می شود \* اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند هر چه خواهید در خواهید خواست و برای شما خواهد
- ۸ شد \* و پدر بهمین جلال می یابد که شما میوه بسیار بیاورید و مرا
- ۹ شاکردان خواهید بود \* آنچه تا آنکه پدر مرا دوست دارد من شمارا
- ۱۰ دوست دارم و در دوستی من ثابت باشید \* اگر شما احکام مرا نگاه دارید در دوستی من خواهید ماند چنانچه من فرمانهای
- ۱۱ پدرم را نگاه داشتیم و در دوستی او ثابت هستیم \* این سخنهارا من بشما گفته ام تا که خوشوقتی من در شما بماند و خوشوقتی شما
- ۱۲ کامل شود \* فرمان من اینست که شما یکدیگر را دوست دارید
- ۱۳ چنانچه من شمارا دوست داشته ام \* دوستی را بیشتر ازین
- ۱۴ هیچ کس ندارد که کسی جان خود را براه محبوبان خود بنهد \* شما
- ۱۵ دوستان من هستید اگر هر چه بشما میفرمایم بجا آید \* دیگر شمارا بنده گان نمیگویم زیرا که بنده نمیدانند که آقای او چه میکند و شمارا
- دوستان گفته ام زیرا که هر چه از پدر خود شنیده ام شمارا اطلاع بر
- ۱۶ آن داده ام \* شما مرا بر نگریدید بلکه من شمارا بر گزیدم و شمارا مقرر
- کردم تا بروید و میوه بیاورید و میوه شما بماند تا آنکه هر چه از پدر با سم
- ۱۷ من در خواهید خواست بشما به بخشند \* این سفارش را بشما
- ۱۸ میفرمایم که شما یکدیگر را دوست دارید \* اگر جهمان باشما عداوت



۱۹ کند شما میدانید که بیش از شما با من عداوت کرده است \* اگر شما از جهان می بودید جهان خویش خورا دوست میداشت اما از آنجا که شما از جهان نیستید بلکه من شما را از جهان بر ۲۰ گزیدم. همین علت جهان شما دشمن میدارد \* آن سخن را که من بشما گفتم بیاورید که بده از آقای خود بزرگتر نیست اگر مرا زحمت دادند شما را نیز زحمت خواهند داد اگر کلام مرا نگاه داشتند کلام شما را نیز نگاه خواهند داشت \* لیکن ایشان همگی این چیزها را بعزت اسم من بشما خواهند کرد زیرا که ۲۲ آنکس را که مرا فرستاده است نمی شناسند \* اگر من نیامده بودم و ایشان حرف نزوه بودم ایشان گناهی نمیداشتند اما حال ۲۳ عذری برای گناه خود ندارند \* اینکس که مرا دشمن دارد پدر مرا ۲۴ نیز دشمن دارد \* اگر من در میان ایشان آن کارهایی که هیچ کس دیگر نکرده است نکرده بودم گناهی نمی داشتند و حال که ۲۵ ویزند هم مرا و هم پدر مرا دشمن داشتند \* و اینچنین میشود تا که آن سخن که در آئین آنها نوشته شده است کامل کرد که مرا ۲۶ بی سبب دشمن کرده اند \* و چون آن تسلی دهند که من از جانب پدر بشما خواهم فرستاد یعنی روح راستی که از طرف پدر ۲۷ می آید او در باره من شهادت خواهد داد \* و شما نیز شهادت خواهید داد زیرا که از آغاز شما با من بووه آید

باب شانزدهم

۲ من این سخنهارا بشما گفتم که مبادا شما بلعزید شما را از مجامع خارج خواهند کرد بلکه وقت می آید که هر کس که شما را می کشد

- ۳ کمان دارد که خدا را بنده کسی میکند \* و این چیزها را بشما خواهند کرد  
 ۴ بعثت آنکه نه پدر را شناخته اند و نه مرا \* اما این چیزها را بشما گفتم تا  
 که چون وقت بیاید بیاد آرید که من بشما گفتم و این چیزها را از  
 ۵ آغاز بشما نگفتم زیرا که من خود با شما بیوم \* لیکن حالا بنزد آنکسی  
 که مرا میفرستاده است میروم و هیچ کس از شما مرا نمی پرسد که  
 ۶ تو بکجا میروی \* بلکه از آنجا که این چیزها را بشما گفتم اندوه دل  
 ۷ شما را پر کرده است \* لیکن بشما راست میگویم که شما را مفید  
 است که من بروم که اگر من بروم آن تسلی دهند و بنزد شما  
 ۸ نخواهد آمد اما اگر بروم او را بنزد شما خواهم فرستاد \* و او چون بیاید  
 ۹ جهانیا را بکناه و صدق و انصاف ملزم خواهد ساخت \* بکناه  
 ۱۰ زیرا که هر من ایمان نمی آرند \* بصدق زیرا که بنزد پدر خود میروم  
 ۱۱ و شما مرا دیگر نمی بینید \* بانصاف زیرا که هر رئیس این جهان  
 حکم جاری شده است و دیگر چیزهای بسیار دارم که بشما بگویم لیکن  
 ۱۳ حالا نمی توانید متحمل شد \* اما چون او یعنی روح راستی بیاید او  
 شما را بنامی راستی ارشاد خواهد نمود زیرا که او از پیش خود سخن  
 نخواهد گفت بلکه هر آنچه می شنود خواهد گفت و شما را بآینده  
 ۱۲ خبر خواهد داد \* و او مرا جلال خواهد داد زیرا که او آنچه را ز آن  
 ۱۵ منست خواهد یافت و شما را خبر خواهد داد \* و هر آنچه پدر دارد از  
 آن منست از همین سبب گفتم که آنچه از آن منست خواهد  
 ۱۴ یافت و شما را خبر خواهد داد \* اندک مدتی شما مرا نمی بینید و باز  
 ۱۷ اندکی دیگر مرا خواهید دید زیرا که بنزد پدر میروم \* بعضی از  
 شاگردانش بیکدیگر گفتند که آیا این چه خبر است که ما میدهد

- که اندک مدتی شما مرا نخواهید دید و باز اندکی دیگر مرا خواهید دید
- ۱۸ و نیز اینکه از آنجا که بنزد پدر میروم \* پس گفتند این چه چیز است
- ۱۹ که ما میگوییم که اندکی نمیدانیم چه میگوید \* و عیسی دریافت که خواستند که او را به پرسند بآنها گفت آیا که در باره این سخن بیکدیگر تفحص میکنید که من گفتم اندکی دیگر شما مرا نمی
- ۲۰ بینید و باز اندک مرا خواهید دید \* بدرستی که من بشما راست میگویم که شما خواهید کریست و ناله خواهید کرد اما جهانیان خوشحال خواهند بود و شما اندوهناک خواهید بود لیکن اندوه شما
- ۲۱ بخوشی مبدل خواهد شد \* و زنی چون در زه وارو اندوه وارو از آنجا که وقت او رسیده است و چون طفل را زائید و پیکر الم را
- ۲۲ یاد نیارد بعلت فرحی که انسانی بجهان آمده است \* شما نیز حالا اندوه دارید لیکن من شمارا باز خواهم دید و دل شما خوش
- ۲۳ خواهد شد و خوشنودی شمارا از شما هیچ کس بر نمیدارد \* و در آنروز از من هیچ سؤال نخواهید کرد هر آینه من بشما راست میگویم که هر آنچه پدر را باسم من در خواهید خواست او بشما
- ۲۴ خواهد بخشید \* تا حال شما هیچ چیز باسم من نخواستید نخواهید که خواهید یافت تا که خوشی شما کامل باشد \* من این چیزها
- بشما در مثلها گفتم اما آنوقت می آید که دیگر در مثلها بشما حرف
- ۲۵ نخواهم زد بلکه در باره پدر در ظاهر خبر بشما خواهم داد \* و در آنروز شما باسم من در خواهید خواست و شمارا نمیگویم که من در باره
- ۲۶ شما از پدر سؤال خواهم کرد \* زیرا که پدر خود شمارا دوست دارد و بعلت آنکه شما مرا دوست داشته اید و باور کرده اید که من

۲۸ از جانب خدا آمده ام \* از نزد پدر بیرون آمدم و جهان رسیدم  
 ۲۹ و باز جهانرا میگذارم و بنزد پدر میروم \* شاکر و انش باو گفتند  
 ۳۰ اینک حالا در ظاهر حرف میزنی و تو هیچ مثل نمیکوئی حالا وانستیم  
 که همه چیز را میدانی و احتیاج نداری که کس تورا بپرسد و بهمین  
 ۳۱ ما باور میکنیم که تو از خدا بیرون آمدی \* عیسی بآنها گفت که  
 ۳۲ آیا حالا باور می کنید \* اینک وقت نزدیک است بلکه رسیده  
 است که هر یک از شما نزد خویشان برانگنده خواهید شد و مرا  
 تنها خواهید گذاشت و من تنها نیستم زیرا که پدر با منست  
 ۳۳ \* این سخنها را بشما گفته ام تا که در من آرام بگیری و در جهان  
 تصدیق خواهید کشید لیکن خاطر جمع باشید من جهانرا زبون  
 کرده ام

### باب هفدهم

۱ عیسی این سخنها را گفت و چشمهای خوررا بسوی آسمان بلند  
 کرد و گفت ای پدر وقت رسیده است پسر خوررا جلال بده  
 ۲ تا آنکه پسر نیز تورا جلال بدهد \* چنانچه تو او را بر همه بشر قدرت  
 داده تا هر آنچه را تو بویی داده او بآنها حیات ابدی به بخشند  
 ۳ \* و حیات ابدی اینست که از تو که خدای واحد حقیقی و از عیسی  
 ۴ مسیح که تو او را فرستاده واقف باشند \* من تورا بر زمین جلال  
 ۵ داده ام و آن کاری که بمن داده بودی تا بکنم تمام کردم \* و حالا  
 ای پدر بان جلالی که پیش از بنامی عالم نزد تو داشتتم مرا در نزد  
 ۶ خویش عزیز کن \* من اسم تورا بر مردمانی که مرا از جهان  
 داده بودی آشکارا کرده ام و تورا بودند و آنها را بمن بخشیده و کلام



- ۷ توراً نگاه داشتند \* حالا وانسته اند که همگی چیزهایی که تو بمن داده
- ۸ از جانب تو است \* زیرا که کلامی که تو بمن داده من بآنها داده
- ام و آنها نیز پذیرفته اند و براستی وانستند که از جانب تو آمده ام
- ۹ و باور کردند که تو مرا فرستادی \* و من برای آنها سؤال میکنم
- و سؤال برای جهان نمیکنم بلکه برای آنهاست که بمن بخشیده
- ۱۰ بعثت آنکه توراً هستند \* و هر آنچه مراست تو راست و آنچه
- ۱۱ تو راست مراست و من در آنها جلال یافته ام \* و من دیگر در
- جهان نیستم اما اینها در جهان هستند و من بنزد تومی آیم ای
- والد مقدس آنهاست که بمن بخشیده با اسم خود نگاه دار تا یک
- ۱۲ باشند چنانچه ما یک هستیم \* و هنگامی که من با آنها در جهان
- بودم من آنها را با اسم تو نگاه داشتم و آنکسانی که بمن بخشیده
- حفظ کرده ام و هیچ کس از آنها هلاک نشده است مگر فرزند
- ۱۳ هلاکت که تا کتاب کامل کرد \* و حالا من بنزد تومی آیم و این
- ۱۴ سخنهارا در جهان میگویم تا سرور مرا در خود کامل دارند \* و من
- کلام توراً بآنها داده ام و جهان آنها را عداوت کرد زیرا که چنانچه
- ۱۵ من از جهان نیستم آنها نیز از جهان نیستند \* من طالب آن
- نیستم که تو آنها را از جهان بر داری بلکه آنها را از شر نگاه داری
- ۱۶ \* آنچه آنکه من از جهان نیستم آنها نیز از جهان نیستند \* تو
- ۱۸ آنها را براستی خود مقدس ساز و کلام تو راستی است \* آنچه آنکه
- ۱۹ تو مرا بجهان فرستاده من نیز آنها را در جهان فرستادم \* و من
- برای آنها خود را منزّه میکنم تا آنکه آنها نیز براستی منزّه باشند
- ۲۰ \* و من در باره اینها و بس سؤال نمیکنم بلکه برای آنهاست که

۲۱. بجهت کلام اینها بر من ایمان خواهند آورد \* تا آنکه همه یک باشند آنچه تا آنکه تو ای پدر در من هستی و من در تو آنها نیز در
۲۲. ما یک باشند تا آنکه جهان باور کند که تو مرا فرستادی \* و آن جلالی را که تو بمن داده من بآنها داده ام تا آنچه تا آنکه ما یک هستیم
۲۳. آنها نیز یک باشند \* من در آنها و تو در من تا آنکه با اتحاد کامل برسند و تا آنکه جهان بدانند که تو مرا فرستادی و اینکه دوست
۲۴. داشتی ایشانرا آنچه من که مرا دوست داشتی \* و الذا کسانسی که بمن بخشیده میخواهم جانی که من هستم آنها نیز با من باشند تا جلال مرا که تو بمن داده به بینند زیرا که تو مرا قبل از بنای عالم
۲۵. دوست داشتی \* ای پدر عادل حال آنکه جهان تو را نشناخت
۲۶. من تو را شناخته ام و اینها دانستند که تو مرا فرستادی \* و من معرفت اسم تو را بر آنها نمودار ساختم و خواهم ساخت تا آنکه دوستی که با من کرده در آنها باشد و من در آنها باشم

### باب هجدهم

۱. و عیسی این سخنانرا گفته با شاگردان خود با نظرف روو قدرون
۲. رفت آنجا باغی بود که او و شاگردانش در آن درآمدند \* بهر او نیز که او را خیانت کرد و آنمقام را دانسته بود چه عیسی بارها در آنجا با
۳. شاگردان خود جمع شده بود \* پس بهر او دست را و سرهنکان کاهنان هرک و فریسیان را با خود بر داشته با فانوس و مشعل
۴. و چراغ در آنجا آمدند \* و عیسی از آنجا که بر آنچه بروی واقع میشد
۵. میدانست بیرون آمده بآنها گفت که شما کرا جستجو میکنید \* باو جواب دادند که عیسی ناصری را عیسی بآنها گفت که من هستم

- ۶ بهودا نیز که اورا خاین بود با آنها ایستاده بود \* پس چون آنها  
 ۷ گفت که من هستم بعقب رفتند و بر زمین افتادند \* باز آنها را  
 ۸ پرسید که شما کرا جستجو میکنید گفتند عیسای ناصری را \* عیسی  
 فرمود من بشما گفتم که من هستم پس اگر شما مرا جستجو میکنید  
 ۹ اینهارا بگذارید که بروند \* تا آنکه آن سخن که گفته بود کامل گردد  
 ۱۰ که از آنهائی که بمن بخشیده من هیچ کس را ضایع نکردهم \* آنگاه  
 شمعون پطرس که شمشیری داشت آنرا کشید و خادم کاهن  
 بزرگ را زد و کوش راستش را برید اسم آن خادم ملخس بود  
 ۱۱ \* عیسی پطرس گفت شمشیر خوورا در غلاف کن آیا پیاله که  
 ۱۲ پدر بمن داده است من آنرا نیاشمام \* آنگاه آن دسته سپاهی  
 ۱۳ و مین باشی و سرهنگان بهودا عیسی را گرفته بستند \* و اورا  
 نخستین بنزد حناس که کاهن بزرگ آنسال قیافارا پدر زن  
 ۱۴ بود آوردند \* قیافا آنکسی بود که بیهودا مشورت کرد که هلاک  
 ۱۵ شدن یک کس برای قوم مفید است \* شمعون پطرس  
 و شاکرد و دیگری در عقب عیسی رفتند و آنشاکرد بنزد کاهن بزرگ  
 ۱۶ معروف بود پس با عیسی در ایوان کاهن بزرگ آمد \* اما پطرس  
 نزد در بیرون ایستاده بود و آن شاکرد و دیگر که در پیش کاهن  
 بزرگ معروف بود بیرون آمد و دربان سخن گفته پطرس را  
 ۱۷ باندرون آورد \* و آن کنیز که دربان بود پطرس گفت آیا که تو  
 ۱۸ نیز یکی از شاگردان اینکس هستی او گفت من نیستم \* آنگاه  
 خادمان و سرهنگان آتش کرده ایستاده بودند زیرا که هوا سرد بود  
 و خود را گرم می کردند پطرس نیز با آنها ایستاد و خود را گرم میکرد

- ۱۹ \* پس کاهن بزرگ عیسی را در باره شاکروانش و تعلیمش  
 ۲۰ پرسش کرد \* عیسی با جواب داد که من جهانرا در ظاهر گفتم  
 من همیشه در مجمع و در هیکل که یهودیان همیشه در آنجا جمع  
 ۲۱ میشوند تعلیم میدادم و در پنهان هیچ نگفتم \* تو مرا چرا پرسش  
 میکنی آنها را که شتیدند پرسش کن که من بآنها چه چیز گفتم  
 ۲۲ اینک اینها میدانند که من چه گفتم \* چون این سخنهارا گفت  
 یکی از سرهنگان که نزدیک ایستاده بود عیسی را طپاچه زد  
 ۲۳ و گفت آیا که تو باین طور کاهن بزرگ را جواب میدهی \* عیسی  
 گفت اگر من بد گفتم در باره آن بدی شهادت بده و اگر خوب  
 ۲۴ گفتم چرا مرا میزنی \* آنگاه حنا س اورا بسته بنزد کاهن بزرگ  
 ۲۵ قیافا فرستاد \* شمعون پطرس ایستاد و خود را کرم میکرد پس  
 باو گفتند که تو نیز از شاکروانش هستی انکار کرد و گفت من  
 ۲۶ نیستم \* یکی از خادمان کاهن بزرگ که یکی از خویشان آنکس  
 بود که پطرس کوش اورا برید گفت که آیا من تورا با او در باغ  
 ۲۷ ندیدم \* بار دیگر پطرس انکار کرد که دفعه خروس بانگ زد  
 ۲۸ \* پس عیسی را از جانب قیافا بدیوانخانه آوردند و صبح بود پس آنها  
 خود در دیوانخانه در نیامدند تا آنکه آلوده نشوند بلکه قابل خوردن  
 ۲۹ فصیح باشند \* پس پیلطس بنزد آنها آمد و گفت چه شکایت  
 ۳۰ برین شخص میکنید \* باو جواب دادند و گفتند که اگر این کس  
 ۳۱ بدکار نمی بود اورا بتو تسلیم نمی کردیم \* پیلطس بآنها گفت شما  
 خود اورا بگیرید و بر حسب آئین خود برو حکم کنید یهودیان گفتند  
 ۳۲ ما را جایز نیست که کسی را بکشیم \* این بوقوع رسید تا سخن



۳۲ عیسی که اشارهٔ بکیفیت مرک خود تکلم نموده بود کامل کرد \* باز  
 پیلطس در دیوانخانه آمد و عیسی را خوانده باو گفت آیا تو پادشاه  
 ۳۳ یهود هستی \* عیسی باو جواب داد که آیا تو این را از خود میگوئی  
 ۳۵ یا دیگران در بارهٔ من تو را گفتند \* پیلطس گفت که آیا من  
 یهودی هستم قوم تو و کاهنان بزرگ تو را بمن تسلیم کردند تو چه  
 ۳۴ کار کرده \* عیسی جواب داد که پادشاهی من ازین جهان  
 نیست و اگر پادشاهی من ازین جهان می بود خادمان من  
 ستیزه کردند تا من به یهود تسلیم کرده نشوم و حالا پادشاهی من  
 ۳۷ ازین طرف نیست \* پیلطس باو گفت پس تو پادشاه هستی  
 عیسی جواب داد که تو خود میگوئی من پادشاه هستم من برای  
 این متولد شدم و برای همین بحبمان آمدم که براستی شهامت  
 بدهم و هرکس که صاحب راستی هست سخن مرا می شنود  
 ۳۸ \* پیلطس باو گفت که راستی چه چیز است و این را گفته باز  
 بنزد یهودیان بیرون رفت و آنها گفت که من هیچ عیب در  
 ۳۹ او نمی یابم \* شمارا رسمی است که یک کس برای شما در فصیح  
 ربائی دهم پس می خواهید که من برای شما پادشاه یهود را  
 ۴۰ ربائی دهم \* آنها همه فریاد کردند و گفتند نه این را بلکه برتاس را  
 و این برتاس دزد بود

باب نوزدهم

۲ پس پیلطس عیسی را گرفته تازیانه زد \* و سپاهیان تاجی را از  
 خازن بافته بر سرش نهادند و لباس سرخی را در او پوشانیدند  
 ۳ \* و گفتند السلام ای پادشاه یهود و او را طپاچه می زدند \* پیلطس

- ۵ باز بیرون آمده بآنها گفت اینک من اورا بنزد شما بیرون می  
 آورم تا دریا بید که من در او هیچ علت نمی یابم \* پس عیسی تاج  
 خار و لباس سرخ در برش بپوشید بیرون آمد و بآنها گفت اینک  
 ۶ آنمرد \* پس چون کاهنان بزرگ و سرهنگان اورا دیدند فریاد  
 کردند و گفتند صلیب کن صلیب کن پیلطس بآنها گفت شما  
 ۷ خود اورا بگیریید و صلیب کنید من در او علتی نمی یابم \* یہودیان  
 باو گفتند که ما آئینی داریم و بر حسب آئین ما باید که بمیرد زیرا که  
 ۸ خوروا پسر خدا خوانده است \* پس چون پیلطس این سخن را  
 ۹ شنید بیشتر از اول ترسید \* و باز در دیوانخانه در آمده بعیسی گفت  
 ۱۰ تو از کجا هستی عیسی باو جواب داد \* پیلطس باو گفت آیا  
 تو با من حرف نمیزنی نمیدانی که من قدرت دارم که تو را صلیب  
 ۱۱ کنم و قدرت دارم که تو را رهایی دهم \* عیسی جواب داد که تو  
 هیچ قدرت نمیداشتی اگر بتواز بالا داده نمی شد ازین سبب  
 ۱۲ آنکس که مرا بتو تسلیم کرد بیشتر گناه دارد \* ازین وقت  
 پیلطس تفحص میکرد که اورا رهایی بدهد لیکن یہودیان فریاد  
 کردند و گفتند اگر تو این را رهایی دهی تو قیصر را دوست نیستی  
 ۱۳ هر کس که خوروا پادشاه می نامد مخالف قیصر است \* پس  
 پیلطس این سخن را شنیده عیسی را بیرون آورده بر محکمه در  
 ۱۴ جائی که سنفه نام داشت و در عبری کتبه کوبند نشست \* و وقت  
 تهمینه فصیح و قریب بساعت ششم بود پس یہود گفت اینک  
 ۱۵ پادشاه شما \* آنها فریاد کردند که پیر پیر و اورا صلیب کن  
 پیلطس بآنها گفت پادشاه شما را صلیب کنم کاهنان بزرگ

- ۱۶ جواب دادند که دیگر پادشاهی نداریم مگر قیصر \* آنکاه اورا بانها  
 ۱۷ تسلیم کرد تا که صلیب گروه بشو \* عیسی را گرفتند و بزوند واو  
 صلیب خود را برده بجائی آمد که آنجا را کلمه سر وور عبری کلکته  
 ۱۸ میکنند \* در آنجا اورا صلیب کردند و با او دو نفر دیگر را در  
 ۱۹ اینطرف و آنطرف و عیسی در میان می بود \* پیلطس خطی  
 نوشته بر صلیب چسپانید چنین نوشته شده بود که عیسی ناصری  
 ۲۰ پادشاه یهو \* و این نامه را بسیاری از یهو مطالعه کردند زیرا  
 جائی که عیسی صلیب کرده شد بشهر نزدیک بود و عبری و یونانی  
 ۲۱ درومی نوشته شده بود \* و کاهنان بزرگ یهو به پیلطس گفتند  
 که پادشاه یهو منویس بلکه بنویس که اینکس گفت که پادشاه  
 ۲۲ یهووم \* پیلطس جواب داد که آنچه نوشتم نوشتم \* پس  
 سپاهیان چون عیسی را صلیب کردند رختهای او را گرفتند  
 و چهار پاره کردند برای هر یک سپاهی یکپاره پیراهن را نیز گرفتند  
 ۲۳ و پیراهن یکپارچه بی درز بود که از بالا سر گرفته شده بود \* پس  
 یکدیگر گفتند که آنرا پاره نکنیم بلکه برای آن قرعه افکنیم که از آن  
 که خواهد شد این بوقوع آمد تا آن کتاب که میگوید رختهای مرا  
 در میان خود قسمت کردند و پیراهن من قرعه افکنند کامل  
 ۲۴ کرد و سپاهیان چنین کردند \* و نژد صلیب عیسی مادرش  
 ۲۵ و خواهر مادرش و مریم کلیوپا و مریم مجدلیه ایستاده بودند \* و عیسی  
 مادر و آن شاکردی را که دوست میداشت ایستاده دید مادر خود  
 ۲۶ گفت ای زن اینک پسر تست \* و بعد بشاکرد گفت اینک  
 ۲۷ مادر تو و همان ساعت آن شاکرد او را بنزد خویش آورد \* بعد

ازین عیسی وانست که حالا همه تمام شده است برای آنکه  
 ۲۹ کتاب کامل کرد و گفت که من تشنه هستم \* ظرفی پر از سرکه  
 آنجا بود و آنها اسفنج را بسرکه مخلوط کرده و بر زوفا گذاشته تا  
 ۳۰ بداننش رسانینند \* چون عیسی سرکه را چشید گفت که تمام  
 ۳۱ شد پس سر را بزیر انداخته روح را تسلیم نمود \* و بهر دو بیان بجهت  
 آنکه بدنه های کشته ها در صلیب نمانند زیرا که وقت تهیه عید بود  
 که آنروز سبت روز بزرگ بود از پیلطس در خواستند که  
 ۳۲ ساقه های آنها را شکسته و آنها بر داشته شوو \* پس سپاهیان آمده  
 ساقه های نخستین را شکستند و آن یک نفر دیگر را نیز که با او  
 ۳۳ صلیب شده بود شکستند \* چون نژد عیسی آمدند از آنجا که او را  
 ۳۴ مرده دیدند ساقه های او را نشکستند \* لیکن یکی از سپاهیان  
 ۳۵ نیزه پهلوی او فرو کرد فی الفور خون و آب بیرون آمد \* آنکس  
 که دید شهادت داده است و شهادتش درست است و او  
 ۳۶ میداند که راست میگوید تا که شما باور کنید \* که این چیزها واقع  
 شد تا آنکه کتاب کامل کرد که یکی از استخوانهای او شکسته  
 ۳۷ نخواهد شد \* و باز کتاب دیگر میگوید که در آنکس که او را فرو  
 ۳۸ کردند نگاه خواهند کرد \* بعد ازین یوسف که از اریمثیه بود و یکی  
 از شاگردان عیسی ولیکن از ترس بهر دو مخفی بود از پیلطس  
 اجازت خواست تا تن عیسی را بر دارو پیلطس اجازت داد  
 ۳۹ پس آمد و بدن عیسی را برداشت \* و نیقدیمس همان که بنزد  
 عیسی نخستین در شب آمد دوائی که مرکب از مر و صبر بود  
 ۴۰ قریب بصد رطل با خود گرفته آمد \* پس تن عیسی را برداشتند



و با یوای خوش بکفن آنچنانکه رسم دفن کردن یهود است  
 ۲۱ بستند \* و در جائی که صلیب کرده شد باغن بود و در آن باغ قبری  
 ۲۲ نو بود که در آن هیچ کسی را هنوز نگذاشته بودند \* پس آنجا بسبب  
 تهیه یهود عیسی را گذاشتند که قبر نزدیک بود

باب بیستم

- ۱ و در روز یک شنبه مریم مجدلیه صبح وقتی که هنوز تاریک بود
- ۲ بقبر آمد و دید که سنگ از سر قبر بر داشته شده است \* پس
- دوید و بنزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر که عیسی او را دوست
- داشت آمد و بانها گفت که آقا را از میان قبر بر داشته اند و نمیدانیم
- ۳ او را کجا گذاشته اند \* پس پطرس و آن شاگرد دیگر بیرون آمدند
- ۴ و بسوی قبر روان شدند \* و آن دو نفر باهم دویدند و آن شاگرد
- ۵ دیگر از پطرس پیش افتاده و اول بقبر رسید \* و خم شده دید که
- ۶ کفن هست لیکن بدرون نرفت \* و شمعون پطرس پس از او
- ۷ رسید و بقبر در آمده دید که لغافهای کفن گذاشته است \* و رومال
- که بر سرش بود با کفن نبود بلکه در جای دیگر پیچیده گذارده
- ۸ شده بود \* آنگاه آن شاگرد دیگر که نخستین بقبر آمده بود در آمد
- ۹ و دید و باور کرد \* چه هنوز کتاب را ندانسته بودند که او را لازم بود که
- ۱۰ از مردهگان بر خیزد \* پس آن شاگردان بنزد خویشان باز
- ۱۱ گشتند \* اما مریم در پیش قبر گریان ایستاد پس چون میکریست
- ۱۲ بسوی قبر خم شد \* دو فرشته سفید پوش دید که جائی که تن
- عیسی گذاشته شده بود نشسته اند یک نزد سر او و یک نزد پای
- ۱۳ او \* آنها باو گفتند ای زن تو چرا میکری بانها گفت زیرا که آقایی

- ۱۲ مرا برواشته اند و نمیدانم که او را کجا گذاشته اند \* و این را گفته  
بعقب نگریست عیسی را ایستاده و دید و دانست که عیسی
- ۱۵ هست \* عیسی باو گفت ای زن تو چرا میگری تو کرا میجویی  
او از آنجا که گمان داشت که باغبان است باو گفت ای آقا اگر  
تو او را برواشته بمن بگو که او را کجا گذاشته که من او را خواهم
- ۱۶ برواشته \* عیسی باو گفت مریم او بر کشته باو گفت ربونی که  
۱۷ عبارت از استاد است \* عیسی باز گفت که مرا دست مگذار  
زیرا که هنوز بنزد پدر خود بالا نرفته ام بلکه بنزد برادران من برو  
و بآنها بگو که من بنزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما بالا
- ۱۸ میروم \* پس مریم مجدلیه آمد و شاکردان را خبر داد که او خداوند را  
۱۹ دیده بود و آنکه او باو چنین گفت \* در همان روز که روز یکشنبه  
بود وقت شام هنگامی که دروازه های آنجا که شاکردان باهم نشسته  
بودند از ترس بهو بسته شده بود عیسی آمد و در میان ایستاده
- ۲۰ بآنها گفت که سلام علیکم \* و این را گفته دست و پهلو می خور  
۲۱ بآنها نمود پس شاکردان خداوند را دیده خوشوقت گردیدند \* عیسی  
باز بآنها گفت که در امان باشید آنچه نامک پدر مرا فرستاده است
- ۲۲ من نیز شمارا میفرستم \* این را گفته و مید و بآنها گفت روح  
۲۳ القدس را بیا بید \* هر کس را که گناہان او را می آموزید از برای  
او آموزیده شد و هر کسی که آنها را بگناہانشان میگیرید گرفته شد
- ۲۴ \* ثوما که یکی از آن دروازه نفر بود همان است که دومس نام دارد  
۲۵ وقتی که عیسی آمد بآنها نبوو \* پس شاکردان دیگر باو گفتند که ما  
خداوند را دیده ایم او بآنها گفت تا من نشان میخهارا در دستش

نه بینم وانگشت خوررا در نشان میخها نیندازم ووست خوررا در  
 ۲۶ پهلوی او نگذارم باور نخواهم کرد \* وبعد از هشت روز شاکروانش  
 باز اندرون بوزند و ثوما بانها بود وقتی که در بسته شده بود عیسی  
 ۲۷ آمد و در میان ایستاده گفت سلام علیکم \* بعد از آن بشوما گفت  
 انگشت خوررا با اینجا بیاور و دستهای مرا ببین ووست خوررا  
 ۲۸ بیاور و در پهلوی من بگذار و بی ایمان مشو بلکه ایمان وار \* ثوما  
 ۲۹ باو جواب داد که خداوند من و خدای من \* عیسی باو گفت ای  
 ثوما ازین جا که تو مرا دیده ایمان آورده خوشا حال آنانکه ندیده  
 ۳۰ باشند و ایمان آورده باشند \* و عیسی در پیش شاکردان خو  
 ۳۱ بسیار معجزه های دیگر نمود و درین کتاب نوشته نشده است \* لیکن  
 این چیزها نگارش یافته است تا که باور کنید که عیسی بدرستی  
 مسیح پسر خداست و تا آنکه ایمان آورده باسم او حیات یابید

### باب بیست و یکم

۱ بعد ازین عیسی بار دیگر خوررا بشاکردان بر لب دریای تبریاس  
 ۲ نمودار کرد و باین نمط نمایان گشت \* که شمعون پطرس و ثوما  
 که همان دو مس است و اما نائیل که از قانای جلیل بود پسران  
 ۳ زبیدی و دو نفر دیگر از شاکروانش باهم برزند \* شمعون پطرس  
 بانها گفت که من برای شکار ماهی میروم باو گفتند که ما نیز با تو  
 می آیم پس بیرون رفتند و فی الفور بر کشتی سوار شدند و در آن  
 ۴ شب هیچ چیز بچنگ نیاروند \* و صبح شده بود که عیسی در  
 ساحل ایستاده بود لیکن شاکروانش ندانستند که عیسی هست  
 ۵ \* عیسی بانها گفت ای اطفال چیزی برای خوردن دارید جواب

- ۶ داوند که نه \* بانها گفت که دام را در طرف راست کشتی  
 بیندازید که خواهید یافت پس انداختند و از کثرت ماهیان آنها  
 ۷ نمی توانستند کشید \* آن شاکرد که عیسی او را دوست داشت  
 پطرس گفت که خداوند هست شمعون پطرس چون شنید  
 که خداوند هست لنگ را بر بست زیرا که برهنه بود و خورا در  
 ۸ دریا انداخت \* و شاکردان دیگر در کشتی نشسته بخشکی آمدند  
 و دام ماهی را کشیدند زیرا که از زمین دور نبودند بلکه بقدر دو بست  
 ۹ فرع \* پس چون بخشکی آمدند دیدند که آتشی است و ماهی بر آن  
 ۱۰ و نان است \* عیسی بانها گفت که از ماهیهائی که حال بچنگ  
 ۱۱ آورده اید بیارید \* شمعون پطرس رفت و دام را بر زمین کشیده  
 و آن از دو بست و پنجاه و سه ماهی بزرگ پر شده بود و با وجود که  
 ۱۲ این قدر بود دام پاره نشد \* عیسی بانها گفت بیائید چاشت  
 بخورید لیکن هیچیک از شاکردان جرأت نکرد که از او بپرسد تو  
 ۱۳ کیستی زیرا که وانسته بودند که خداوند هست \* عیسی آمد و نان را  
 ۱۴ گرفت و بانها داد و بهمان طور ماهی را \* این مرتبه سیم است  
 ۱۵ که عیسی از مروه کان برخاسته بشاکردان خود نمودار شد \* و بعد از  
 چاشت عیسی بشمعون پطرس گفت که ای شمعون پسر یونا  
 آیا تو مرا بیشتر از اینها دوست میداری گفت آری ای خداوند تو  
 ۱۶ میدانی که من تو را دوست دارم باو گفت بره ای مرا بچیران \* باز  
 بار دیگر باو گفت شمعون پسر یونا مرا دوست میداری باو گفت  
 ۱۷ آری ای خداوند تو میدانی که من تو را دوست میدارم \* باو گفت  
 کوسفندان مرا شبانی کن بار سیم باو گفت شمعون پسر یونا تو



مرا دوست میداری پطرس اندوهناک بود که او را بار سیم  
 گفت آیا تو مرا دوست میداری پس باو گفت ای خداوند تو از  
 همه چیز آگاه هستی تو میدانی که من تو را دوست میدارم عیسی  
 ۱۸ باو گفت کوسفندهای مرا بچران \* بدرستی که من بتو راست  
 میگویم که چون تو جوانتر بودی تو کمر خود را می بستی و جایی که  
 میخواستی میخرا میدی و چون پیر خواهی شد دستهای خود را باز  
 خواهی کرد و دیگری تو را خواهد بست و جایی که تو نمی خواهی خواهد  
 ۱۹ برد \* باین سخن نشان میداد که بچه قسم از مرگ خدا را جلال  
 خواهد داد و چون چنین گفته باو فرمود که پیروی من بکن  
 ۲۰ \* پطرس رورا گردانیده دید آن شاکردی را که از عقب می آید  
 و که عیسی او را دوست داشت و در وقت شام خوردن در پهلوی  
 او می نشست گفت ای خداوند کیست آنکس که تو را خیانت  
 ۲۱ میکنند \* پطرس اینکس را دیده بعیسی گفت که ای خداوند  
 ۲۲ اینکس را چه میشود \* عیسی باو گفت که اگر خواهش داشته باشم  
 ۲۳ که او تا آمدن من بماند تو را چه کار تو در عقب من بیا \* پس  
 این خبر در میان برادران مشهور شد که آن شاکرد نمی میرد و حال  
 اینکه عیسی باو نگفت که نمی میرد بلکه اگر خواهش من باشد که او  
 تا آمدن من بماند تو را چه کار \* این همان شاکرد است که در باره  
 این چیزها شهادت میدهد و این سخنهارا نوشت و ما میدانیم که  
 ۲۵ شهادتش درست است \* و دیگر کارهای بسیار است که عیسی  
 کرد که اگر یکیک نوشته شود کمان دارم که آن صحف در همه جهان  
 نتواند کنجید آمین



# فهرست این کتاب مقدس

<p>503 . رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان</p> <p>507 . رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>516 . رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>522 . رسالهٔ پولس بتیتوس . . . . .</p> <p>526 . رسالهٔ پولس بفلیمون . . . . .</p> <p>528 . رسالهٔ پولس بعبریان . . . . .</p> <p>552 . رسالهٔ عام یعقوب حواری . . . . .</p> <p>561 . رسالهٔ عام اول پطرس حواری . . . . .</p> <p>570 . رسالهٔ عام دویم پطرس حواری . . . . .</p> <p>576 . رسالهٔ عام اول یوحناي حواری . . . . .</p> <p>585 . رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری . . . . .</p> <p>586 . رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری . . . . .</p> <p>587 . رسالهٔ عام یهوداي حواری . . . . .</p> <p>590 . کتاب مکاشفات یوحناي الهی . . . . .</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ . . . . . 1</p> <p>انجیل مرقس . . . . . 83</p> <p>انجیل لوقا . . . . . 135</p> <p>انجیل یوحنا . . . . . 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان . . . . . 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم . . . . . 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس . . . . . 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس . . . . . 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان . . . . . 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان . . . . . 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی . . . . . 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان . . . . . 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان . . . . . 496</p>
---	---

هللا ةالص

، برلا اها

قفرعم نم نكممتن یتح جارفاللا مت دقو اذه ديدجل دهعلا والي جبالا اذه ىلع ارکش  
لكنع ديزملا

تنا .حاتملا ينورتكلال باتكل اذه عنصنع ملو سمل بعشلا قدعاسم ءاجرلا  
مهندعاسم ىلع نورداق متن او مه نم فرعت

بتكل ارثكأ اهل عجو ، عرسب لمعلا ىلع قرداق نوكت نأ ىلع امتدعاسم ءاجرلا  
ةحاتملا هي نورتكلال

نوكت يكلف هجاتحت يذلا تقولو قوقو ، لاومال او دراوملا عيمج ىلع امتدعاسم ءاجرلا  
لمعلا ةلصاوم ىلع قرداق  
لكل

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذلا قيرفلا نم اعزج لكشت يتلا قدعاسملا ءاجرلا  
اهل ديرت يتلا لامع الل يحو رلا مهفلا مهنم لك اعطع او رارمتسالا قوق اهئاطع ايجري  
هل عفت نأ

ركذنتل او فوخل مدعل مهنم لك قدعاسم ءاجرلا  
ءيش لك نع لوؤسمل او ةالصلا مبوبج يذلا هللا تنأ نإ

نوكراشي مهنأ قراز & لمعلا ، مهتياح مكن او ، مهعيجشت متلضفت نأ هللا وعدأ  
هيف

يتلا تابقلعلا نم امريغ وا هي حورلا تاوقلا نم مهتياح متلضفت نأ هللا وعدأ  
لفسا ىلا امنم عطب وا مريض نأ نكمي

هذه نم اولعج نيذلا سانلا اضي ركفنل ديدج دهع اذه مدختسا امدنع يتدعاسم ءاجرلا  
رارمتسالا مهل ىنس تي ىتحو اهيلع ىلصي نا عيطتسا ىتح ، ةحاتملا هعبطلا  
سانلا نم ربكاددع قدعاسم يف

فوس كن او ، (ديدجل دهعلا) قدقملا قملك كل بح ينيطعت تنك نا هللا وعدأ  
ةينمزللا قرتفل او مهفل لصفانكنا فرعت نا من طفل او قملكحل او هي حورلا ينيطعت  
اهي شيعن يتلا

لك يننا هجاوت يتلا تابوعصلا عم لامعتلا ةيفيك قفرعم يفتدعاسم ءاجرلا  
نيرخال دعاسن نا ديرنو لصفانكنا فرعت نا ديرت يندعاسي هللا دروللا .موي  
لماعلا لوحو قوطنملا يدلب يفي نيحي سمل

مكتمكح مهدعاست نيذلا او بختنملا ينورتكلال باتكل يطعي نا مكل هللا وعدأ

مكعب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (يتلئاعو) امترسا دارفأ دعاسي نا مكل هللا وعدأ



قرطلا لكب مكلة عباتمو لوبق ديرتو

ءايشالا هذه لعفا نا مكئم بلطاو ، تاقوالا مده يف هي جوتلا او هعتملا اني طعي امك  
نيم ا ، عوسي مس ا يف

# - Prayer -

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted.

Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible.

Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro.

Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día.

Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de Jesús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?

Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible, y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.

El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

# - Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutilo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliera.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutilo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere

le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo.

Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza.

Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile e di altrettanta gente che prega spesso per noi e questo ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

# - Prayer -

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de Jesus, amen,

( por que nós traduzem isto em muitas línguas?  
 Porque nós necessitamos tanto prayer como possível, e tantos como povos que praying para nós e este ministry tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.  
 O prayer é uma das mais melhores maneiras que você pode nos ajudar mais ).



# - Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott,

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen.

Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortet und der verantwortlich für alles ist.

Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamen könnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jedem Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen. und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).

**Dear Lord,**

**Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you.**

**Please help accurate versions to have wide circulation.**

**Please help us obtain copies of the accurate Greek New Testament.**

**Please help the people responsible for making this Ebook available.**

**Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available**

**Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.**

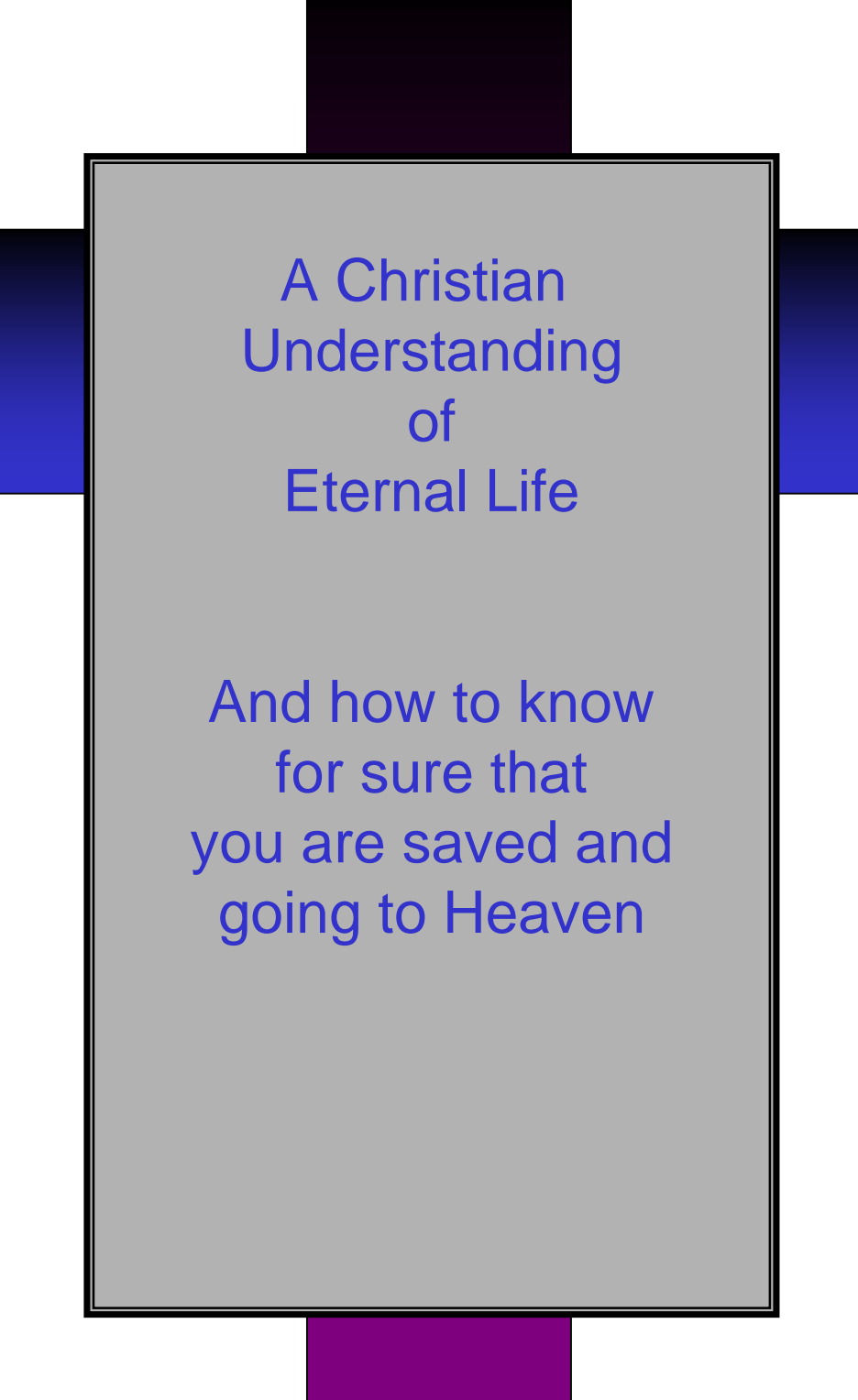
**Please help their family members to not be deceived. Please help their families to truly turn to the real Jesus and to follow Him and understand His divine perspective.**

**Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.**

**I pray that you would encourage those working on Ebooks, and that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.**

**I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of Jesus, Amen,**





A Christian  
Understanding  
of  
Eternal Life

And how to know  
for sure that  
you are saved and  
going to Heaven



# **Saved - How To become a Christian how to be saved**

**A Christian is someone  
who believes the  
following**

*Steps to Take in order to become a  
true Christian, to be Saved & Have a  
real relationship & genuine  
experience with the real God*

**Read, understand, accept and  
believe the following verses from  
the Bible:**

**1. All men are sinners and fall short  
of God's perfect standard**

Romans 3: 23 states that

For all have sinned, and come short of  
the glory of God;

**2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son Jesus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on Jesus Christ.**

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through Jesus Christ our Lord.

**3. You can be saved, and you are saved by Faith in Jesus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending Jesus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in Jesus Christ, that is what saves each of us.**

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

**4. God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent Jesus Christ to save us, even though we are sinners. So Jesus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.**

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

**5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in Jesus Christ, we obtain Eternal Life.**

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

**6. If you believe in Jesus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a**

**fact that you have been given  
Eternal Life.**

I John 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

**7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.**

I John 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

**If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:**

***" Lord Jesus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you***



***to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true Jesus Christ I ask all these things now, Amen".***

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, Jesus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

**It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is**

that you do not need to change yourself. Just Cry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent Jesus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

**Steps to take once you have asked  
Jesus to come into your life**

**Find the following passages in the Bible and begin to read them:**

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)**
- 2. Read Psalm 91**
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John**
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.**
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read**

them, so that you can understand more about God and how He works.  
6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your fears and concerns, and ask him for help and guidance.  
7. email or tell someone about the great decision you have made today  
!!!

---

Does the "*being saved*" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of **1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.**

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

[...and if so , then how does believing save a person?](#)

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in **Salvation by Faith Alone in Jesus Christ** (ask us by email if this is not clear), then **That belief** saves them. Why ?  
because they are magical ?  
No, because of the sovereignty of God, *because of what God does to them, when they ask him into their heart & life.* When a person decides to place their faith in Jesus Christ and **ask Him** to forgive them of



their sins and invite Jesus Christ into their life & heart, **this** is what saves them – *because of* what God does for them at that moment in time.

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ – God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "*one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers*".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of Jesus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that Jesus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than Jesus Christ – which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in Jesus Christ because of two extremes:

**First** the extreme that they are *not* sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that **all sins separates us from God**, even supposedly-small sins. We – as humans – tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

**Second** the extreme that they are *not good enough* for Jesus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ Jesus because those people are -literally – **unwilling**

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for Jesus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "**For all have sinned, and come short of the glory of God**" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote " **For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.**"(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

**John 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.**  
**17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world through him might be saved.**

# Prayers that count

## The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through Jesus Christ" or "*in the name of Jesus Christ*".

God hears our prayers because we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

**And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of Jesus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:**

**(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.**

**(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.**

**(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought *him* to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.**



**(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)**

**(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ.**

**(Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us through Christ Jesus.**

**(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.**

**(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached through Jesus the resurrection from the dead.**

**(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.**

**(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,**

but alive unto God through Jesus Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, *let him do it* as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly through Jesus Christ our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

---

### Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postscript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon  
the Textus Receptus are  
the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK  
TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.  
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in  
the Mandarin Chinese Language (Older Traditional)  
that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of  
this edition is actually from 1880 which means  
it was produced prior to the Revised Version  
and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions  
in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort,  
ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform  
to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is  
the standard historic Koine Greek Text of the  
New Testament. (the work of John w Burgon. Carston Thiede  
or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online  
Under "Textus Receptus". There are 2  
or 3 usual versions of the T.R. :

1. The original 1550/51 Version of the  
Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne
2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833  
and
3. The Textus Receptus in Koine Greek by  
Scrivener, the edition of 1860.

Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

### Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength;  
they shall mount up with wings as eagles;  
they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

#### I Thessalonians 4: 13\_-5:6

13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.

14 For if we believe that Jesus died and rose again, even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.

15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.

16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:

17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.

18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord so cometh as a thief in the night. 3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.

4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.

5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness. 6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

#### Matthew 25:1-13

25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.

2 And five of them were wise, and five were foolish.

3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:

4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.

5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.

6 And at midnight there was a cry made,

Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.

7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.

8 And the foolish said unto the wise,

Give us of your oil; for our lamps are gone out.

9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.

10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.

11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.

12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.

13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.



**NOTE: This New Testament in  
PERSIAN ( IRANIAN - FARSI) of HENRY  
MARTYN 1837** is [exists] in Nine [ 9 ] Parts.  
All are available online **Persian New Testament  
Edition of HENRY MARTYN 1837**

-  
**Please Note:**

**Permission for YOU to Print, use, Post online, store,  
use, distribute personally or in file sharing systems,  
online or otherwise, is hereby granted**

**Permission to Post and Repost on your website  
is granted.**

**Note: Do not always depend on  
large “storage” websites. Do not depend on websites  
in the west. Sometimes large websites are affected  
and then no longer work. For your convenience  
and easy access, Please keep copies of this  
somewhere safe or on other servers**

Some bulletin boards sometimes have storage  
space available.

-----  
Téléchargement = Free = No Cost  
Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and  
for our protection in all ways and at all times.  
Thanks.

**NOTE: This New Testament in  
PERSIAN ( IRANIAN - FARSI)  
of HENRY MARTYN 1837**

is [exists] in Nine [ 9 ]

Parts:

**Part 1**

**Part 2**

**Part 3**

**Part 4**

**Part 5**

**Part 6**

**Part 7**

**Part 8**

**Part 9**

All are available online  
**Persian New Testament**  
Edition of **HENRY MARTYN**  
**1837**

-----

Téléchargement  
Free = No Cost  
Télécharger - Gratuit

A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.  
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER  
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,  
IF HE WANTS. **GOD IS BIG ENOUGH.** ANY REAL GOD  
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE  
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.  
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE  
EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison  
Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson  
The Two Babylons by Hislop  
Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce

The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander  
The [ Idolatry of ] the Worship of Mary by J. Endell Tyler  
Books by George STANLEY Faber  
Revelation by Clarence Larkin

Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824)  
Works written by Imad-ud-din, of Umritsur

TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity  
written by Maulvi Ahmad Ullah

WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866

ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867

Original Sources of the Coran / Koran by Muir

Books in French (Auteurs Français) = Alain Choquier , Ralph Shallis,  
Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare,

Accurate Edition: (Texte Reçu) of the New Testament in Greek (Grec) =  
Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151)  
[Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New  
Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH  
the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب  
العهد الجديد لربنا ومخلصنا يسوع  
المسيح

قد تُرجم حديثاً من اللغة اليونانية

اسماء اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

٦	.	.	.	١ تيموثاوس	٢٨	.	.	اصحاحات	انجيل متى
٤	.	.	.	٢ تيموثاوس	١٦	.	.	"	انجيل مرقس
٢	.	.	.	٢٤ تيطس	٢٤	.	.	"	انجيل لوقا
١	.	.	.	٢١ فلمون	٢١	.	.	"	انجيل يوحنا
١٢	.	.	.	٢٨ العبرانيين	٢٨	.	.	"	اعمال الرسل
٥	.	.	.	١٦ يعقوب	١٦	.	.	"	رومية
٥	.	.	.	١ بطرس	١٦	.	.	"	١ كورنثوس
٢	.	.	.	٢ بطرس	١٣	.	.	"	٢ كورنثوس
٥	.	.	.	١ يوحنا	٦	.	.	"	غلاطية
١	.	.	.	٢ يوحنا	٦	.	.	"	افسس
١	.	.	.	٢ يوحنا	٤	.	.	"	فيلبي
١	.	.	.	يهوذا	٤	.	.	"	كولوسي
٢٢	.	.	.	٥ رؤيا يوحنا	٥	.	.	"	١ تسالونيكي
	.	.	.	٢ وجميعها سبعة وعشرون سفرًا	٢	.	.	"	٢ تسالونيكي